

فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور

فعالیت‌های تروریستی رژیم خمینی در اروپا که عمدتاً از سال ۱۹۸۴ آغاز شد در سال ۸۶ میلادی ابعاد وسیعی یافته است. هفته نامه «اشترن» ضمن هر شمردن برخی از فعالیت‌های پاندهای تروریستی رژیم خمینی در اروپا، فاش ساخت که «خانه ایرانیان» واقع، در شهر کلن-آلمان فدرال-یکی از کانونهای اصلی اقدامات تروریستی رژیم خمینی در خارج از ایران می‌باشد. ساختمان «خانه ایرانیان» ویلائی است که رژیم شاه آثار خریداری کرده و یکی از مراکز سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) در اروپا بود. رژیم خمینی، پس از آغاز جنگ از این ساختمان، -ظاهراً- به‌منابه مکان زندگی مجروحین جنگی استفاده می‌کند. اما «خانه ایرانیان» در تمامی این سالها در راستای سازماندهی اقدامات تروریستی مورد بهره‌گیری قرار گرفته است.

بنا به نوشته «اشترن» پس از حادثه بمب‌گذاری روز ۱۹ اوت شهر لندن که منجر به کشته شدن یک تن و مجروح کشتن ۱۲ نفر گردید، «اسکاتلند یارد» -دایره پلیس انگلیس- اعلام کرد که بمب‌گذاران برای انجام عملیات از آلمان فدرال به انگلستان آمده بودند و مرکز استقرار آنها در اروپا، در آلمان فدرال است.

پاسدار فراری رژیم خمینی که با هفته نامه بقیه در صفحه ۷

پانکیسم انحطاط یا اعتراض

در صفحه ۲

چشم‌انداز اقتصادی سال ۱۹۸۷

در صفحه ۱۱

هفته نامه آلمانی «اشترن» در تاریخ ۶ آگوست با درج مقاله‌ای درباره فعالیت‌های تروریستی رژیم خمینی در خارج از ایران، یکی از مراکز سازماندهی و هدایت اقدامات تروریستی رژیم خمینی در اروپا را که در شهر کلن آلمان فدرال قرار دارد افشا کرد. مقاله هفته نامه «اشترن» تحت عنوان «کلن، خیابان پارک شماره ۵، خانه ترور» مستند به اطلاعاتی است که از سوی یکی از پاسداران فراری رژیم خمینی افشا شده است.

مانور شهادت و ستاره درخشان ۸۷

عمان و اقیانوس هند افزوده خواهد شد. واشنگتن پست از قول واینبرگر وزیر دفاع آمریکا نوشت، ایالات متحده خود را برای اقدامات پیش‌گیری کننده آماده می‌کند. اعزام هزاران سرباز نخبه، کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی متعدد و تشکیل یک ستاد فرماندهی ویژه از جمله این اقدامات پیش‌گیری کننده است. ستاد فرماندهی ویژه نیروهای آمریکایی در خلیج فارس نقشه جنگی کاملی برای یک مداخله خونین در منطقه در صورت انفجاری شدن اوضاع مذاکره دیده است. در این نقشه جنگی پیش‌بینی شده است که در اولین گام پندرعباس بمباران شود. در نقشه جنگی آمریکا نقش ویژه‌ای به کشورهای عربی منطقه بقیه در صفحه ۲

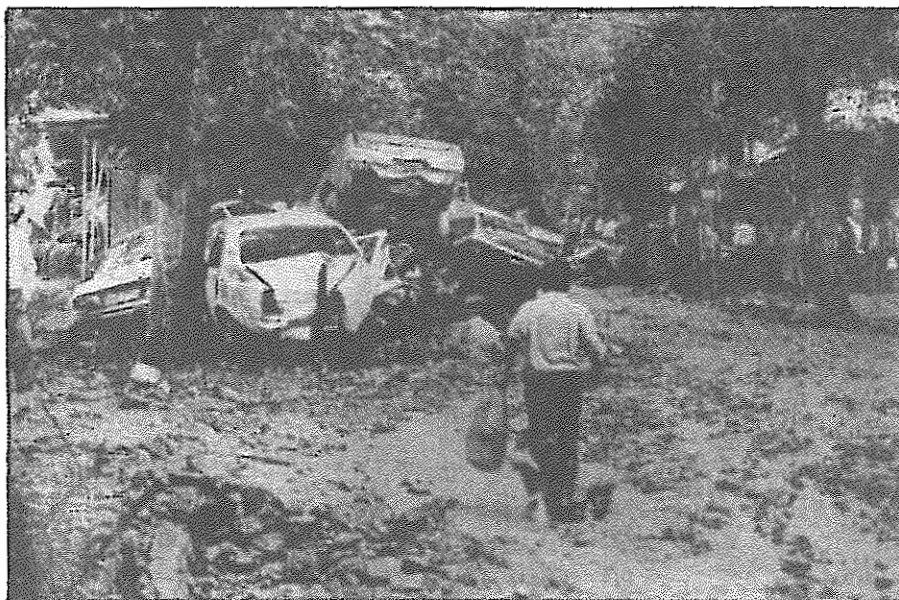
شبه جزیره عربستان، به اجرا درآمد. سربازان آمریکایی برای شرکت کردن در این مانور، از آمریکا و نیز از پایگاه دریایی دیه‌گوگارسیا به منطقه اعزام شده بودند. همزمان با اعزام بخشی از این سربازان از جزیره دیه‌گوگارسیا در اقیانوس هند، یک ناو هواپیما بر نیز از این پایگاه دریایی به سمت خلیج فارس به راه افتاد. این ناو حاصل هشت هلی‌کوپتر مین جمع‌کن است. آمریکا علاوه بر این هلی‌کوپترها که در بین راه بر عرشه کشتی دیگری نشاند شدند، چهار قایق مین جمع‌کن نیز به خلیج فارس فرستاده است.

در روز چهارشنبه هفته گذشته در واشنگتن اعلام گردید که همچنان بر تراکم نیروهای آمریکایی در خلیج فارس، دریای

منطقه خلیج فارس به منطقه مانورها تبدیل شده است. در روزهای ۱۲ تا ۱۶ مرداد مانور مسخره «شهادت» از سوی نیروی دریایی سپاه پاسداران خمینی در خلیج فارس برگزار شد، تعداد کثیری قایق موتوری با چیخ و دادهای همیشگی، تقریباً همان منظره حرکت موتورسواران حزب الله در خیابانهای تهران. آمریکا نیز همزمان با این نمایش حزب الله، در حال نمایش قدرت در خلیج و آبهای مشرف به آن بود. یکی از جلوه‌های این نمایش قدرت مانور «ستاره درخشان ۸۷» بود که در آن علاوه بر هزاران سرباز آمریکایی و واحدهای نیروی دریایی شمالی و عمان نیز شرکت داشتند. این مانور در ساحل بحر احمر و در جوار تنگه باب المندب، مقابل ساحل جنوبی



دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۶۶ برابر ۱۰ اوت ۱۹۸۷
بها* ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۹



ویرانی‌های ناشی از سیل تهران

اهالی تهریش، آژانکه از یورش سیلاب جان سالم بدر برده‌اند، گرد آمده و خبره به پیرامون خود زل زده‌اند. باورشان نمی‌شود، هیچکس باور نمی‌کند آنچه را که به وقوع پیوست. امواج خشمگین آب، کف بر لب، زندگی بسیاری را در خود فرو برد. ویرانی بر جای مانده حکایتگر تلخ علق فاجعه‌ای است که رخ نمود. مردم نگرانند! آیا باز هم فاجعه‌ای در پیش است؟

غائله مکه، زمینه‌ها و بی‌آمدها

هنوز آمار دقیق کشته‌شدگان و مجروحین غائله مکه روشن نشده است. دولت سعودی می‌گوید در این بلوا ۲۱۵۱ نفر کشته و ۶۴۹ نفر زخمی شده‌اند. بر طبق این آمار از میان کشته‌شدگان ۲۷۵ نفر زائر ایرانی، ۴۲ نفر زائر کشورهای دیگر و ۹۸ نفر پلیس سعودی بوده‌اند. جمهوری اسلامی در مقابل مدعی است حداقل ۶۰۰ زائر ایرانی کشته و ۴۵۰۰ نفر زخمی شده‌اند.

جزئیات حادثه نیز هنوز معلوم نیست. جمهوری اسلامی آغاز درگیری را به بلندگویی ربضی‌دهد که از آن صدا برخاست که ایرانی‌ها می‌خواهند خانه کعبه را تصرف کنند. عربستان سعودی مدام فیلمی را به نمایش می‌گذارد که در آن پلیس سعودی سخت‌مظلوم می‌نماید. اگر اوضاع طبق این‌تکه فیلم پیش می‌رفت لابد آل سعود می‌بایست به دست حزب الله سرنگون می‌شد! اما این فیلم تنها تکه‌ای از حادثه است، صحنه‌ای است که در آن حزب الله حالت مهاجم را دارد و هنوز نوبت وحشی‌گری پلیس عربستان فرا نرسیده است.

غائله مکه هم زمینه داشت و هم سابقه. عرسال اخیر شده‌های حزب اللهی در جریان سفر حج تظاهرات به راه می‌اندازند و با داد و فریاد، خمینی را رهبر بقیه در صفحه ۱

مانور شهادت و ستاره درخشان ۸۷

درماندگی خمینی

پس از بلوای مکه و در جریان مانور مسخره "شهادت" پاسداران رژیم خمینی در تنگه هرمز، تبلیغات جنگی آخوندها به شدت بالا گرفت. آنها همه را به مصاف می‌طلبیدند، از آل سعود گرفته تا ریکان. خمینی چه در پیام خود به حجاج، که قائله مکه را بدنحال آورد و چه پس از آن، از تداوم جنگ تا سرنگونی صدام کافر سخن گفت و مدعی جهان‌خواری اسلامی شد. اما در پس این پرده دود، آنچه که عیان است درماندگی و استیصال است. این درماندگی در "استراتژی جدید جنگی" رژیم، بطور کامل هویداست.

"استراتژی جدید جنگی" عنوانی است که به ترهات مطرح شده از سوی رفسنجانی در نماز جمعه دوم مرداد، داده شده است. رفسنجانی در خطبه‌های این نماز خطاب به آمریکا گفت: "ما اطلاع موقت داریم که شما نماینده عراق را خواستید و به او گفتید اگر شراوت بشود در حالی که کشتی ما آنجاست و ایران را تحریک بکنید، ممکن است راه ترکیه بسته شود، ممکن است بندر عقبه بسته شود، ممکن است بنادر کویت بسته شود و ممکن است اطلاعات ماهواره‌ها و آواکسها به شما داده نشود و ممکن است پول اعراب به شما دیگر نرسد. خوب این حرف‌ها را شما بدون این ماجراجویی و نمایش‌ها می‌توانستید بزنید، این چه حرکت ابلهانه‌ای است که سیاستمداران آمریکایی دارند می‌کنند." (کیهان - ۲ مرداد) اما سیاستمداران آمریکایی، حرکت حساب شده‌ای را پیش می‌برند و به این التماس‌ها وقتی نمی‌گذارند. رژیم علی‌رغم چاروچنگالهایش درمانده شده است. از ماجراهای خلیج فارس تا اینجا، این عراق است که پیروز سر برآورده است. در دربارکاری علیه عراق از پیش نمی‌رود و در عرصه زمین نیز توان پیشروی مهمی موجود نیست. همه این‌ها در حالی است که بر فشارهای بین‌المللی برای قطع جنگ افزوده می‌شود. جمهوری اسلامی از زبان رهبران خود چندین بار قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل را رد کرده است، اما هنوز به طور رسمی پاسخی برای دپیرکل سازمان ملل نفرستاده است.

رژیم از شدت درماندگی است که مدام حلقه طناب داد و فریادهایش را بر کرد کلوی خود، سفت‌تر می‌کند.

آنگونه که در این صفحه در یک کاریکاتور برگرفته از یک نشریه آمریکایی می‌بینید؟

در هفته گذشته تلویزیونهای غرب مدام فیلمهایی از مانور مسخره "شهادت" را نشان دادند، بخشی از دریا پوشیده از قایق‌های موتوری بود که سرنشینان آن مدام ویراژ می‌دادند و تیر درمی‌کردند. رسانه‌های امپریالیستی با نشان دادن این گونه فیلمها گاه پشه مزاحم را به صورت یک هیولا تصویر می‌کنند. قایق‌های موتوری را نشان می‌دهند و می‌گویند، بترکید صدها قایق کامیکاز دارند، باید صدها کشتی جنگی به خلیج فارس بفرستیم! اما بالاخره خمینی برای غرب چیست؟ یک پشه مزاحم؟ یک هیولا؟

خمینی کراحت هر دو را دارد، اما برای غرب خمینی در اساس هیچ یک از این دو نیست. امپریالیسم از چنجه‌های معینی مزاحمت‌های این حشره نفرت انگیز را خوش نمی‌داند، اما دست گذاشتن بر روی این چنجه‌ها بیشتر به درد رسانه‌های غربی می‌خورد تا پنتاگون. خمینی شکست یک انقلاب عظیم مردمی را به نام خود ثبت کرده است و از همین رو غرب همواره دعاگوی اوست. امپریالیسم از ضد امپریالیسم ارتجاعی خمینی سوده‌های فراوانی برده است. هم اکنون خلیج فارس پیش از این که عرصه جولان دادن قایق موتوری‌های خمینی باشد، عرصه جولان رزمناوهای آمریکایی است. آمریکا هیچگاه تا اینسان در منطقه خلیج قدر قدرتی نکرده است. از همان زمانی که کارتر در اوج شعبده‌بازی "ضد امپریالیستی" خمینی بحث ضرورت بازماندن تنگه هرمز را مطرح کرد، پنتاگون سیاستی را طراحی کرد که هدف آن تقویت حضور نظامی آمریکا و متحدین آن در منطقه بود. این سیاست کام به کام به مرحله اجرا درآمد. پشه مزاحم به صورت حشره‌ای حقیر، آلت دست و بهانه این سیاست بود. اکنون پنتاگون بخش اعظم سیاست خود را پیاده شده می‌بیند و می‌رود که به حضور خود در منطقه حالت نهاده‌ای شده بدهد. در همین راستاست که مانورهایی مثل شهادت و ستاره درخشان ۸۷ نه تنها در مقابل هم قرار نمی‌گیرند، بلکه دقیقاً مکمل یکدیگر واقع می‌شوند.

منطقه فرستاده است.

در هفته گذشته مارکارت تاجر نخست وزیر انگلستان با کارلوجی مشاور امنیتی ریکان در لندن دیدار کرد. تاجر در این دیدار اعزام مین جمع کن‌های انگلیسی را به خلیج فارس منتفی ندانست و به آمریکا قول همکاریهای فعالتری را داد.

آلمان فدرال ظاهراً قصد حضور مستقیم در خلیج فارس را ندارد. همکاری این عضو مهم ناتو با آمریکا بدین صورت است که بر تعداد سربازان خود در مدیترانه می‌افزاید تا آمریکا بتواند بخشی از نیروی خود در دریای مدیترانه را به منطقه خلیج اعزام کند. در ایتالیا نیز بحث مداخله در منطقه تشنج به تبعیت از کشورهای عمده عضو ناتو بالا گرفته است. کابینه تازه تشکیل شده در این کشور، هنوز تصمیم مشخصی در این مورد نگرفته است.

یک پشه مزاحم، یک هیولا و یک پیک بهانه؟

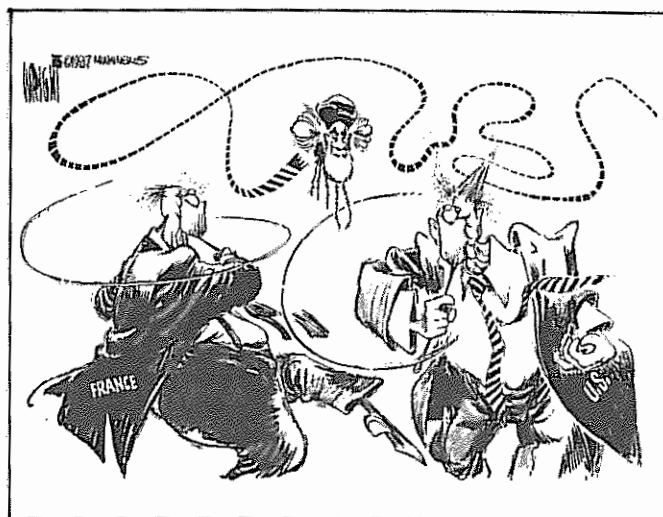
اعزام این همه نیرو به منطقه خلیج فارس برای چیست؟ صرفاً برای مقابله با یک پشه مزاحم و سمج،

بقیه از صفحه اول

داده شده است. در هفته گذشته روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی نوشت که عمان نیروی دریایی خود را به حالت آماده‌باش درآورده و بر تعداد کشتی‌های خود در تنگه هرمز افزوده است. عربستان نیز پروژه پس از بلوای مکه مشارکت فعالتری با آمریکا نشان می‌دهد. کویت که در هفته گذشته ۴ نفت کش آن با اسکورت کشتی‌های آمریکایی از تنگه هرمز گذشتند، اکنون نفت کش‌های دیگرش را به زیر پرچم آمریکایی برد. عراق از اوضاع خشنود است، حمله به نفت کش‌های ما را متوقف کرده و در انتظار حماقت آخوندهای تهران نشسته است.

انگلیس و فرانسه

انگلستان و فرانسه نیز در حال تقویت حضور نظامی خود در منطقه هستند. در روز دوشنبه هفته گذشته کشتی‌های جنگی این دو کشور از کانال سوئز گذشتند و وارد منطقه گردیدند. انگلستان ناوکن ادینبورگ، دوناو رزمی و یک کشتی تدارکاتی و فرانسه ناو هواپیمابر کلمانسوراکه حامل ۴۰ جنگنده و تعدادی ملی کویت است، به



غرب تصاویر متعددی از خمینی ارائه می‌دهد، یک پشه مزاحم آن گونه که در این کاریکاتور می‌بینید، و یک هیولا - آن هنگام که اعزام نیروی بیشتری به خلیج فارس ضرورت یابد. اما این تصاویر صرفاً مصرف تبلیغاتی دارند. در اتاقهای فرماندهی پنتاگون و ناتو، خمینی حشره حقیر اما سودمندی است که مصرفی کمتر از ژاندارم ایرانی سرنگون شده ندارد. و زوژهای این حشره، موسیقی متن نمایش قدرت امپریالیسم در منطقه است.

پیشگام در سومین سال انتشار خود

انقلابی جوانان است که بطور منظم در داخل کشور پخش می‌شود. این نشریه را باید حتی المقدور به دست جوانان هر چه بیشتری رساند. این نشریه وظیفه‌ای است که بر عهده تمامی رفقای ما - در هر کجا که هستند - قرار دارد. هیچ نشریه‌ای در هیچ زمانی نباید بلا استفاده باقی بماند. اکنون که اعلامیه‌های کمیته مرکزی و مقالات مهم رهنمودی سازمانگرا "پیشگام" از رادیوی زحمتکشان پخش می‌شود، رفقای که نشریه به دستشان نمی‌رسد و باید می‌رسد، باید با ضبط این مقالات به پخش آنان در میان جوانان اقدام کنند. وظیفه بسیار مهم جوانان پیشگام در خارج از کشور نیز کمک به رساندن نشریه به دست رفقای جوان خود در داخل می‌باشد. استفاده وسیع و گسترده از پست در این زمینه بسیار موثر خواهد بود."

در آغاز سومین سال انتشار "پیشگام" مقاله "پانکیسم انحطاط با اعتراض" را از شماره ۲۵ این نشریه برگزیده ایم که به درج آن می‌پردازیم.

با انتشار شماره ۲۵، "پیشگام" نشریه سازمان جوانان پیشگام ایران، سومین سال فعالیت و رزم انقلابی خود را آغاز می‌کند. طی سال گذشته "پیشگام" در جهت گسترش مبارزات جوانان کشور علیه رژیم خمینی، سهم موثری بر عهده گرفت. با وجود شرایط سرکوب و خفقان شدید، پیشگام به سهم خود توانست اهداف خویش در زمینه‌های فراخوان جوانان کشور به تشدید مبارزه علیه چنگ و در راه صلح، نبرد علیه دیکتاتوری و بخاطر آزادی و مبارزه بیکر در جهت انعکاس خواسته‌ها و مشکلات جوانان و دانشجویان و فعالیت آگاه‌گرانه در راستای آرمان‌های سازمان جوانان پیشگام ایران را پی بگیرد.

در سرمقاله پیشگام شماره ۲۵ که به مناسبت سومین سال انتشار نشریه تحت عنوان سخنی با رفقای جوان درج شده است، ضمن تشریح جنبه‌های مختلف وظایف پیشگام، آمده است،
"سخن آخر در مورد توزیع نشریه پیشگام است. پیشگام تنها نشریه

پانکیسم انحطاط یا اعتراض

دیگری بخود می‌گیرند. زیرا تضادهای عینی که در غرب سرمایه‌داری منجر به زاده شدن چنین پدیده‌ای شده‌اند، عیناً در کشورهای در حال رشد موجود نیستند. برای نمونه اگر به بررسی رواج "هیپیس" در سالهای دهه ۵۰ در میهن‌مان نگاه کنیم، بیافکنیم، می‌بینیم که این "نهضت" صرفاً به مثابه یک مد و تقلیدی از غربی‌ها، عمدتاً در میان اقشار بالایی و مرفه جامعه ما جایی یافت و قبل از همه ادا و اصولی از سرگیری و بی‌معنا بود. اکنون پانکیسم هم از چارچوب زادگاهش بیرون زده و به کشورهای عقب نگه‌داشته شده مدار سرمایه‌داری گسیل شده است. پانکیسم در گشت و گذارش به میهن ما ویژگی‌هایی یافته که دلیل آن خصوصیات رژیمی است که بر ایران حکومت می‌کند.

حکومت قرون وسطایی و پیوسیده آخوندی که با همه مظاهر انسانیت در ستیز است، هر نوع شادمانی، زندگی و جوانی را بر جوانان ما حرام کرده است، آزادیهای سیاسی را به خونین‌ترین شیوه‌ها سرکوب می‌کند، هیچ حقی برای مشارکت جوانان در اداره امور مربوط به خویش و امور سیاسی و اجتماعی قائل نیست و آینده‌ای که برای آنها ساخته یا مرگ در چپه‌های یاسیه‌روزی در چپه‌ای است که خمینی برایشان بوجود آورده است. در چنین شرایطی پانکیسم ضمن حفظ ماهیت واقعی خود به نوعی سلاح اعتراضی برای مقابله با حکومتی تبدیل شده که حتی در خصوصی‌ترین زوایای زندگی جوانان هم مداخله می‌کند و خواهان تحمیل مقررات عقب مانده خویش است. پدیده‌ای که

بزرگترین قربانیان نظام سرمایه‌داری معاصر جوانانند. بیکاری، بیهودگی و بی‌آیندگی، ستم طبقاتی، انواع تبعیض‌های جنسی و نژادی آنها را در پنجه‌های مرکب‌ار خویش می‌فرد. بورژوازی انحصاری وایدشولوک هایش تلاش می‌کند تا از شکل‌گیری آگاهی طبقاتی و روحیه مبارزاتی در میان جوانان جلوگیری کنند و بیش از هر چیز آنها را متقاعد سازند که مشارکت در امور سیاسی امری عبث و بیهوده است. بورژوازی می‌گوید، بگذار جوانها هر چه می‌خواهند بکنند، فقط آنها را از امور سیاسی دور نگه‌دارید.

از آخرین سلاحهای سرمایه‌داری در مسیر رسیدن به هدف بالا، پانکیسم است. پانکیسم طغیان یاس‌آلود جوانانی است که به سرحد پوچی و ناامیدی از هر چاره‌ای در نظام سرمایه‌داری رسیده‌اند. هدف پانکیسم نه مبارزه‌ای متشکل و جهت‌مند با نظام سرمایه‌داری یعنی منشا همه نابسامانی‌های زندگی جوانان، بلکه تنها دهن‌کجی به این نظام، زیر پا گذاشتن مقررات و قوانین جامعه و دق‌دل خالی کردن از طریق پوشیدن لباس‌های عجیب و غریب، رفتار و آرایش غیرعادی است. از این‌رو علیرغم وجه اعتراضی اش مفری برای دفع واکنش جوانان علیه ناهنجاریها و بحران عمیق جامعه سرمایه‌داری می‌شود.

پدیده‌هایی نظیر پانکیسم وقتی از زادگاه خویش (اروپای غربی و آمریکا) دور می‌شوند و به کشورهای سرمایه‌داری "جهان سوم" می‌رسند، مسخ می‌شوند و ویژگی، یا مضامین

به نام "پانکیسم" در جمهوری اسلامی رواج یافته است، متفاوت با مضمون آن در کشورهای امپریالیستی بوده و علاوه بر جهات و اهدافی که اشاعه دهندگان آن دنبال می‌کنند، عملکرد و وجه دیگری نیز بخود می‌گیرد. اکنون در ایران پانکیسم فقط محدود به اقشار مرفه جامعه و تنوع طلبی شکم‌سیرانه نیست، جوانان اقشار متوسط و حتی در مواردی جوانان کارگر و زحمتکش شهرمانیز به گونه خاص خود با پانکیسم روی می‌آورند. برای دسته اخیر، لباس پوشیدن و آرایش و رفتار به شیوه‌ای که آخوندها نمی‌پسندند و آنرا ممنوع کرده‌اند نوعی مقابله اعتراضی و نوعی مقابله با رژیم است. ابراز نارضایتی از این دستگاه سرکوب دمدشانه‌ای است که هر پدیده "غیر مکتبی" را به ناپودی می‌طلبد.

امپریالیستها، سلطنت‌طلبان و لیبرالها که می‌کوشند تا نارضایتی جوانان را به سود خویش سست و سازمان دهند، با اشاعه سازماندهی پانکیسم در میان جوانان می‌خواهند تا نفوذ خود را در میان آنان گسترش داده و آنان را به خدمت خود درآورند. اما آیا باید این جوانان را در برابر بورژوازی رها کرد؟ وظیفه ما در این میان چیست؟ ما همواره باید با اندیشه و ایدئولوژی بورژوازی در هر شکل و قیافه‌ای مبارزه کنیم. اما این به معنای مبارزه با جوانانی که به پانکیسم رومی‌آوردند نیست.

باید گرایشات گوناگون و روحیات برحق اعتراض و ترداد نسبت به رژیم حاکم را در آنها باز شناخت. باید زمینه‌های مساعد برای روی آوردن به مبارزه جانبدارانه مثبت و متشکل را در میان آنان دید. تجاربی که برخی رفقای ما در نزدیکی به محافل

این دسته جوانان - بویژه در میان اقشار پایینی - با کوش کردن به درد دل و مسایل آنها، جلب تدریجی اعتمادشان، جلب و جذب آنها به فعالیت‌هایی مثل کتابخوانی، کوهنوردی و تفریحات سالم و سرانجام نشان دادن راههای مبارزه با رژیم به آنان داشته‌اند، نشان‌دهنده زمینه مساعدی است که از آن گفتگو کردیم. خطای محض است اگر گمان کنیم هر جوانی که خودش راه قیافه پانک‌ها درآورده، از دست رفته است و امیدوی به جذب او به میدان مبارزه نمی‌توان داشت نفس روحیه نوجویی جوانان و نفس موضع اعتراضی‌شان به رژیم مورد تأیید ماست. وظیفه ماست که ضمن شناساندن ماهیت "پانکیسم" افشای نیت مروچین آن و برحذر داشتن جوانان از کشیده شدن بدان روحیات و روانشناسی جوانان پانکیست و مقتضیات سن و سالشان را بشناسیم. سرکوب و دمدشاهی‌های گزبه‌های رژیم علیه آنان را محکوم کنیم. درگیری و مبارزه‌شان با حکومت را به سمت و مواضع سالم سوق دهیم. این جوانان تنها زمانی چشمان به‌رامی که افتاده‌اند گشوده می‌شود و به عرصه راستین زندگی و مبارزه پای خواهند گذارد که به ما اعتماد کنند. و بهینند ما نه تنها به دردها و مسایلشان پادیده تحقیر نمی‌نگریم، بلکه با دلسوزی به گفته‌هایشان گوش می‌کنیم، با مشکلاتشان همدردی می‌کنیم، از آنان دفاع می‌کنیم و برای رهایی از چپنی که خمینی برایشان ساخته است، راه صحیح یعنی مبارزه هدفمند، بیکر و متشکل را پیشنهاد می‌کنیم.

باید همه این جوی‌های اعتراض را به شطروشان مبارزه خلق هدایت کنیم و رژیم چهل و جنایات و جنگ طلب خمینی را از میان برداریم.

فرانسه واردات نفت خام

از جمهوری اسلامی را متوقف ساخت

در پی تشدید وخامت روابط جمهوری اسلامی با فرانسه، دولت این کشور به شرکت‌های نفتی خود دستور داد از ادامه خرید نفت خام ایران خودداری کنند. به دنبال اعلام این دستور توسط وزارت صنایع فرانسه، شرکت‌های نفتی "توتال" و "رلف" که در هر دو آنها دولت فرانسه سهامدار است، خرید نفت خام از جمهوری اسلامی را متوقف ساختند. وزارت صنایع فرانسه هم اکنون در تلاش است که شرکت‌های نفتی بخش غیردولتی این کشور از جمله "عل" و "اسو" را نیز به توقف خرید نفت ایران وادارد.

"آلن مادلن" وزیر صنایع فرانسه ضمن اعلام خبر توقف خرید نفت ایران توسط شرکت‌های دولتی این کشور، گفت: "مذاکره برای وادار کردن بخش خصوصی نیز در حال پیشرفت می‌باشد."

آقای آژاد وزیر نفت رژیم اسلامی، روز شنبه ۱۸ مرداد طی مصاحبه‌ای با خبرنگاری جمهوری اسلامی، اقدام دولت فرانسه را "جوسازی فرانسوی و بی‌اهمیت" خواند و تاکید کرد طی ۷ ماهی که از ابتدای سال جاری (میلادی) می‌گذرد فقط دو محموله نفت به صورت تک محموله به شرکت‌های ال و توتال فرانسه فروخته شد و ایران در قراردادهای درازمدت فروش نفت خود جایی برای فرانسه در نظر نگرفته است. به گزارش روزنامه آلمانی فرانکفورتر آلگمانیه دولت فرانسه ۸ درصد از نفت خام مورد نیاز خود را از جمهوری اسلامی خریداری می‌کرد. وزیر نفت، با ابراز خستگی از وضع موجود، به برخی کشورهای عضو اوپک هشدار داد از اقداماتی که باعث اختلال و سقوط قیمت‌ها می‌شوند، خودداری کنند. وی کویت را به عنوان یکی از اعضای متخلف اوپک معرفی کرد و اعلام نمود جمهوری اسلامی در این باره با برخی کشورهای عضو تماس گرفته است.

باید خاطر نشان کرد که منابع نفتی انگلیس ماه گذشته به هنگام ارزیابی فروش نفت در بازار جهانی اعلام نمودند جمهوری اسلامی هر بشکه نفت خود را در ۶ ماهه اول سال میلادی جاری با کمتر از ۹ دلار درآمد فروخته است.

جلسه فوق العاده سران

۳ قوه و هیات دولت

جلسه فوق العاده هیات دولت، پیش از ظهر روز شنبه ۱۰ مرداد به ریاست خامنه‌ای رئیس جمهوری و شرکت موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در محل ریاست جمهوری تشکیل شد. روزنامه کیهان ضمن اشاره به طولانی بودن زمان جلسه، اعلام نمود که سران رژیم به منظور بحث و بررسی واقعه مکه گردم آمده بودند. این روزنامه گزارش مشروح مذاکرات سران رژیم را به شماره آینده موقوف کرد و در شماره آینده نیز هیچ گونه مطلبی در باره مسایل مورد بحث "جلسه فوق العاده" چاپ نشد.

لازم به یادآوری است، این دومین گردهمایی سران ۳ قوه همراه با اعضای هیات دولت، پس از انحلال حزب جمهوری اسلامی و سخنان خمینی در روز ۱۳ خرداد است.

وزیر امور خارجه رژیم از مذاکره با دبیرکل سازمان ملل خودداری کرد.

مذاکره با دبیرکل سازمان ملل، پرزده و کوئینار طی هفته گذشته دوبار از رژیم خمینی خواست نظر رسمی خود را نسبت به قطعنامه شورای امنیت اعلام کند. جمهوری اسلامی تاکنون از موضع گیری رسمی در مقابل قطعنامه شورای امنیت خودداری کرده است. با وجود این مسئولین رژیم در سخنرانی‌های خود همچنان از بی‌شمر بودن تلاش‌های سازمان ملل و ادامه جنگ تاسرتکونی رژیم پنداد می‌زنند.

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی و نماینده خمینی در شورای عالی دفاع روز ۵ مرداد در مصاحبه با خبرنگاران اعلام نمود جمهوری اسلامی حتی در شرایط تحریم صدور اسلحه نیز به جنگ ادامه خواهد داد. وی در این باره گفت:

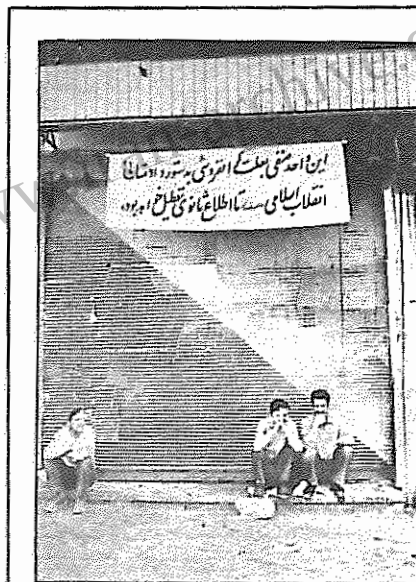
"ما از هر جا بخواهیم، می‌توانیم اسلحه تهیه کنیم. بازار اسلحه در دنیا به گونه‌ای است که هیچکس نمی‌تواند بر آن کنترل داشته باشد کما اینکه در این ۷ سال نتوانسته‌اند کنترل داشته باشند و ما به بهای گران یا ارزان اسلحه خود رانتهیه کرده ایم. به علاوه کشورهایی هم هستند که گوش به حرف سازمان ملل نمی‌دهند... به طور نمونه برخی کشورها، اگر امروز اسلحه‌شان را نفروشدند، فردا کارخانه‌هایشان تعطیل می‌شود."

نشریه "کیهان هوایی" به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد، ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی دیدار خود با خاویر پریز و کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد را به طور غیرمترقبه به تعویق انداخت. به نوشته این نشریه، "قرار بود خاویر پریز و کوئینار دبیرکل سازمان ملل و علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران در ژنو ملاقات و مذاکره کنند ولی ولایتی خواستار تعیین تاریخ جدیدی برای این ملاقات شده است."

شورای امنیت سازمان ملل به دنبال تصویب قطعنامه خود در روز ۲۰ ژوئیه در باره قطع فوری جنگ ایران و عراق، از دبیرکل سازمان ملل خواست به تلاش‌های خود جهت اجرای مفاد قطعنامه مژبور و ایجاد یک گروه تحقیق در باره چگونگی آغاز جنگ، ادامه دهد. به دنبال تصویب شورای امنیت سازمان ملل، "پرزده و کوئینار" از وزیر خارجه عراق و جمهوری اسلامی دعوت کرد که با هم یک به طور جداگانه در اروپا ملاقات و مذاکره کنند.

ولایتی علیرغم سفر به سوئیس، حاضر نشد در ژنو با دبیرکل سازمان ملل در مورد قطعنامه مصوب شورای امنیت به گفتگو بپردازد.

در پی امتناع وزیر خارجه جمهوری اسلامی از



سرمدمداران حکومت فقها، تلاش می‌کنند بحران کرانی و تورم فزاینده که خشم و اعتراض مردم را علیه رژیم برانگیخته است، با مباحث تبلیغاتی متوجه فروشندگان خرده‌ها و کسبه جز سازند. به همین منظور، دولت برای به اصطلاح مبارزه با کرافروشی تحت عنوان "تغزیر حکومتی" که فتوای آن از طرف خمینی صادر شده به ترفند تازه‌ای دست زده است. از دو هفته پیش، رادیو و مطبوعات و "منابر" بخشی از برنامه‌های تبلیغاتی خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. پاسداران و کمیته‌چی‌ها نیز برای اجرای تغزیر حکومتی به حال آماده‌باش درآمده‌اند.

در این میان محتشمی وزیر کشور، نبوی وزیر صنایع سنگین و آذری قنای مدیر روزنامه رسالت در گفتارهای خود خواستار اعدام و قطع اعضای بدن فروشندگان گران فروش شده‌اند.

تجار محترم و بازاریبای وابسته به رژیم، با پرداخت "سهم حضرت امام" و "وجه جبهه" آسوده خاطر به چپاول میلیونی خود ادامه می‌دهند.

سفر مقامات امور خارجه سوریه و ترکیه به تهران

خواه داشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، سفر "کان‌دمیر" به تهران، به دنبال پایان مذاکرات مقامات بلندپایه ترکیه با "میشل ارماکوست" معاون سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا صورت گرفت. بنابه نوشته کیهان هوایی در دیدار فرستاده آمریکا و مقامات ترک، جنگ ایران و عراق و تحولات منطقه خلیج فارس به عنوان یکی از مهم‌ترین مسایل منطقه به طور جدی از سوی طرفین مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است.

در این مذاکرات "کان‌دمیر"، قاشم مقام وزیر امور خارجه ترکیه، ریاست هیات سیاسی ترک را برعهده داشت.

روز چهارشنبه ۱۵ مرداد، فارون‌الشرع وزیر امور خارجه سوریه به منظور گفتگو با مقامات رژیم اسلامی وارد تهران شد. این دومین سفر وزیر امور خارجه سوریه به تهران، بعد از به تعویق افتادن سفر موسوی نخست‌وزیر به سوریه است.

رادیو جمهوری اسلامی در توضیح علت سفر وزیر خارجه سوریه اعلام نمود که وی به قصد میانجیگری بین ایران و عربستان، به تهران نیامده بود.

* "کان‌دمیر" قاشم وزارت خارجه ترکیه روز ۷ مرداد در اس‌هایاتی وارد تهران شد.

وی که حامل پیام تورکوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه برای موسوی است، طی اقامت خود در تهران، ملاقات‌هایی با دیگر مسئولین جمهوری اسلامی نیز



بریتانیا

عکس فوق که در خبرنامه هفتگی "نیوورکرز" مورخ ۲۴ ژوئیه (۲ مرداد) به چاپ رسیده است، صحنه ای از اعتصاب غذای فدائیان خلق در بریتانیا صورت گرفت را نشان می دهد. اعتصاب کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی خواست خود مبنی بر پایان دادن به شکنجه و سرکوب زندانیان سیاسی ایران را با شeroندن بریتانیایی در میان نهاده، از پشتیبانی آنان برخوردار شدند.



آمریکا

روز پنجشنبه ۲۵ تیرماه، هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در دالاس بمنظور حمایت از زندانیان سیاسی ایران و همچنین اعتراض به جنگ ایران و عراق، دست به تظاهرات ایستاده زدند. این تظاهرات با استقبال جمعی از ایرانیان مرفقی و همبستگی نیروهای مرفقی خارجی همچون جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و گروه همبستگی با مردم نیکاراگوئه روبرو شد. روزنامه ها و فرستنده های تلویزیونی شهر با اعزام خبرنگار به محل تظاهرات با تظاهر کنندگان به مصاحبه پرداختند.

پیام مجمع ملی زنان بریتانیا

۵ مرداد برابر با ۲۷ ژوئیه مجمع ملی زنان بریتانیایی پیامی بمناسبت اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اوین و گهر دشت، به دفاع از این فرزندان قهرمان مردم ما برخاست. در بخشی از این پیام آمده است: مجمع ملی زنان حمایت خویش را از خواهران و برادران خود که در اوین و گهر دشت در حال اعتصاب غذا هستند، اعلام می دارد. ما از رژیم ایران می خواهیم که شرایط خواهران دربند ما را که بخاطر اعتقادشان به صلح و دمکراسی و پیشرفت زنان زندانی شده اند، بهبود بخشد. ما خواهان آزادی بی قید و شرط فوری همه زندانیان سیاسی ایران هستیم. دوستدار صلح و همبستگی دهرکل مجمع ملی زنان االسی و لتسون

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

همانگونه که خوانندگان آگاهاند، در پی انتشار خبر اعتصاب غذای خشک زندانیان سیاسی در اسارتگاههای اوین و گهر دشت، موجی از کارزار جهانی علیه ترور، شکنجه و اعدام در جمهوری اسلامی به راه افتاد. نیروهای مترقی و انساندوست کشورهای مختلف حکومتی را محکوم کردند که ابتدا بی ترین حقوق انسانی را در میهن ما به ابطال کرده است. آژان حمایت بهدربخ خویش را از دلبرانی اعلام نمودند که برای تحلی صلح، آزادی و نیکبختی خلق های رنج دیده ایران، متحمل شدیدترین فشارهای جسمی و روانی می شوند.

فریاد رسای قهرمانان اوین و گهر دشت از حصار زندان گذشت و در فروش افشاگرانه مبارزین خارج کشور به گوش جهانیان رسید. این فروش که با برپایی اعتصاب غذا، تظاهرات و گردهمایی های متعدد اوج گرفت، پیش از پیش چهره رباکار و ضد انسانی رژیم خمینی را آشکار نمود.

عکس هایی که در این صفحه ملاحظه می کنید گوشه هایی از واقعیت این فروش را بهمان می کنند. این عکس ها صحنه هایی از چند تظاهرات ایستاده و اعتصاب غذا را نشان می دهند که بمنظور جلب هر چه وسیعتر افکار عمومی جهانیان حول شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به وقوع پیوستند.



برلین غربی

از ساعت ۵ تا ۷ روز سه شنبه ۶ مرداد فدائیان خلق، توده ای ها و گروهی از ایرانیان دمکرات با برگزاری یک تظاهرات ایستاده اعتراضی جنایات رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نموده، خواهان آزادی زندانیان سیاسی میهن ما شدند. عکس صحنه ای از این تظاهرات را نشان می دهد.



بلژیک

یکی از خیابانهای مرکزی بروکسل. فدائیان خلق در بلژیک با برپایی تظاهرات ایستاده در تاریخ ۹ مرداد، مردم بروکسل را از اعتصاب غذای خشک زندانیان اوین و گهر دشت آگاه کردند. طی این اقدام افشاگرانه اطلاعیه شماره ۱ نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در اروپا، به زبان محلی، توزیع گردید. حزب کمونیست بلژیک و حزب سوسیالیست شیلی نیز با اعزام نماینده به این تظاهرات همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام داشتند. پس از ساعتی پلیس بلژیک با دخالت در این تظاهرات، ادامه آن را مانع شد.

سیل مرگبار و ویرانگر

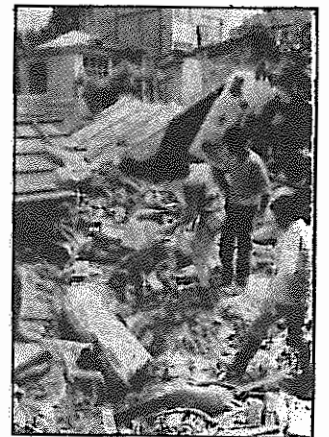


هنوز نمی‌داند و نمی‌تواند باور کند که چه پیش آمده است. آوار بر جای مانده و غم از دست دادن عزیزان

یک شاهد عینی سیل تهران، در میدان تجریش ایستاده بودم که ناگهان برقی که چشم‌ها را خیره می‌کرد، درخشید و رعد چون انفجار یک کوه آتشفشان غرشی سهمگین سرداد و دقایقی بعد سیلی مهیب آغاز شد. سیلی که مرگ، ویرانی و وحشت بدنبال داشت.

رگبار تندی که در دامنه "کلابدره" آغاز شده بود، و بارش سنگین در سلسله جبال البرز به سیلی بدل شد که گاه تا ۲۰ متر ارتفاع داشت و عرض آن به ۲۰ متر بالغ می‌شد. این چنین شد که سیل تهران را دربر گرفت. سیل در برخی دیگر از شهرهای استان مرکزی و ده‌ها شهر و روستای ده استان دیگر کشور نیز جاری شد این سیلاب‌های خونی پس از آنکه هزاران تن را، هزاران واحد مسکونی و تجاری را به کام کشیدند در فرسنگها فاصله آرام گرفتند. اما نگرانی‌ها بر جای ماند، اجساد و ویرانه‌ها نیز!

از میزان تلفات سیل در ده استان کشور، آمار دقیقی ارائه نشده است. رژیم حقایق را پنهان می‌کند. رسانه‌های دولتی می‌گویند ابعاد فاجعه را کوچک بنمایانند، چرا که از واکنش مردم در هراسند و مردم نیز بدرستی رژیم را یگانه مسئول ابعاد ویرانی و مرگ‌ناشی از سیل می‌شناسند.



استفاده از سگهای تربیت شده برای یافتن اجساد

گزارش‌های خبری رسمی رژیم آنجا که از مصاحبه با مسئولین مملکتی فارغ می‌کردند و تا آنجا که تیغ سانسور حکومتی مجال بازتاب می‌دهد، گوشه‌هایی از گفته‌های شاهدان عینی را انعکاس داده‌اند.

"برابر آمار رسمی به گفته رئیس پلیس تهران و ستاد پیگیری‌های ویژه نخست‌وزیر در امور سیل‌زدگان تا لحقات تهیه گزارش (۱۴) نفر کشته شده‌اند. در همین حال شاهدان عینی و گروههای نجات مردمی تعداد

کشته‌شدگان سیل شیران را بسیار پیش از این ذکر می‌کنند.

(کیهان هوایی ۱۴ مردادماه)

"گروهی از سیل‌زدگان، ۴ روز از جریان سیل می‌گذرد هنوز نیروها هم آهنکی لازم ندارند و متأسفانه بوی تعفن بر اثر گرم شدن نسبی هوا، منطقه را فراگرفته که این مسئله موجب بروز بیماری‌هایی خواهد شد." (اطلاعات - ۸ مرداد)

"سیل روز چهارم مردادماه یک رنگ خطر بود، زنگی که هشدار می‌داد باز هم در بی ریزش باران امکان جاری شدن سیل هست."

(اطلاعات - ۸ مرداد)

"زمین‌خواران با از بین بردن سیل‌ها، تهران را در مقابل سیل آسیب‌پذیر کردند." (اطلاعات - ۶ مرداد)

سیل مرگبار و ویرانگر اینک، از دور حرکت باز مانده است. اما هزاران تن را در مسیر خود بلعیده است. خسارات مالی وارده از شمار بیرون توصیف شده‌اند. اینک بسیاری بدنبال مفقود شده‌گان می‌گردند، چه بسیاری مفقود شده‌اند. بسیاری مردم

زراوندوزان، بی‌حساب بنا کرده‌اند. جاری شدن سیل در تهران تا زکی ندارد گرچه سیل اخیر نقاط شمالی شهر تهران در مقام مقایسه با سالهای در چشم انداز، بی‌سابقه بوده است. مسکن‌سازی بی‌رویه در مسیرهای سیل‌گیر و گودالهایی که رژیم اخیر در حوالی شیرانات کنده بود، مسیر سیلاب را به سمت شهر تغییر داد و این خود بر ابعاد فاجعه بی‌افزود.

از غرش سهمگینی که آن شاهد عینی پسان انفجار یک کوه آتشفشان توصیف کرد، تا جاری شدن سیل، دیری نپایید. در عرض چند دقیقه، ناگهان رگبار تندی که در دامنه "کلابدره" آغاز شده بود به سیل مهیبی بدل گردید و تمامی کلبه‌های کثلی مسیر رودخانه "دریوند" را درهم کوبید و شتابان به سمت دره‌بند و شیران سرازیر شد: بی‌شماری از کسانی که در خیابانهای سعدآباد، ارم و دره‌بند، درآمد و شد بودند با سیل وحشتناکی مواجه شده، و عده زیادی طعمه سیل گردیدند. در خیابان مقصودبیک، سیل توانی چندباره گرفت. ارتفاع سیل به حدی بود که گل ولای به‌جای مانده از سیل بر واحدهای مسکونی چند طبقه چشم می‌خورد. در پل رومی، سیل بسیار ویرانگر و کشنده بود. منطقه دره‌بند به شدت در بند سیل گرفتار آمد، بسیاری طعمه آن گشتند و واحدهای مسکونی که فرو نریخته بودند از آب لبریز شدند. بازار تجریش و میدان تجریش به سلطه آب درآمد و امواج ویرانگر سیلاب آنجا که بر تجریش دامن گسترده و هر منطقه محیط‌شد از جاده قدیم شیران و خیابان ولی‌عصر، ره پسوی نقاط مرکزی شهر در پیش گرفت. در زرکنده و قلعهک واحدهای مسکونی بسیاری فرو ریختند و سیلاب به سیدخندان نیز رسید.

ارتفاع سیلاب را در نقاط مختلف شمال تهران از ۴ تا ۲۰ متر



دره‌بند ... اندکی پس از عبور سیل

فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور



نمای "خانه ایرانیان" در کلن - آلمان. مرکز اقدامات تروریستی خمینی

ایرانیان "صادر شده باشد، بسیار قوی است. این هفته نامه حادثه ترور حمیدرضا چیتگر را که در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۷ اتفاق افتاد را نیز از جمله اقدامات تروریستی "خانه ایرانیان" ظرف سالهای اخیر معرفی می کند. ترور حمیدرضا چیتگر که عضو "حزب کار" بود، در وین پایتخت اتریش صورت پذیرفت، چند وی هفته گذشته در پاریس به خاک سپرده شد.

بر اساس نوشته هفته نامه اشترن، در "خانه ایرانیان" شهر کلن، به استثنای عوامل حکومتی، عده ای از ترکها و مصریهای پناهندگرا و همچنین اعضای حزب الدعوة عراق نیز رفت

بقیه از صفحه اول "اشترن" مصاحبه کرده است - ویکی از طرفداران گروه مهدی هاشمی می باشد - فاش ساخته که خود وی از سال ۱۹۸۰ در پخش فعالیت اروپای سیاه پاسداران فعالیت می کرده است. وی همچنین اعلام کرده است که دستور اقدامات تروریستی از تهران دیکته می شود و از طریق کانالهایی پول و سلاح در اختیار باند های تروریستی قرار می گیرد. وی همچنین فاش ساخت که بواسطه تماسات خوب میان دولت آلمان فدرال و جمهوری اسلامی رژیم خمینی، آلمان - شهر کلن - را بعنوان مرکز فعالیت های تروریستی خود در اروپا انتخاب کرده است. پاسدار



سپتامبر ۱۹۸۶ - لحظاتی پس از انفجار بمب در پاریس، ۱۲ کشته و ۹۷ مجروح

و آمد دارند. در همین صفحه نشریه عکسهایی از برخی از اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف اروپایی به چاپ رسیده است. باید افزود که آخرین مورد از اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور ترور فردی به نام محمد حسن منصوری در استانبول - ترکیه است. روزنامه دولتی کیهان به تاریخ ۱۰ مرداد نیز خبر آثرا بازتاب داده است. نحوه درج خبر توسط کیهان خود به معنای اعلام انجام این ترور توسط رژیم تروریست خمینی است.

فراری رژیم خمینی در مصاحبه خود همچنین فاش ساخته است که خود وی در سال ۱۹۸۴، مواد منفجره، پول و سلاح در اختیار شخصی بنام مسعود هندی در پاریس گذاشته است و همچنین در محل "خانه ایرانیان" در شهر کلن ضمن ملاقات با وحید گرچی - مسئول بمب گذاری سپتامبر ۸۶ فرانسه - مبلغ یک میلیون مارک در اختیار وی قرار داده است.

هفته نامه اشترن در گزارش خود اعلام کرده است که احتمال این موضوع که دستور بمب گذاری در پاریس و لندن از سوی "خانه

کشته و زخمی شدن صدها نفر گردید، در شماره گذشته نشریه منعکس شد، اما دامنه عملکرد تخریبگرانه سیلاب به نیشاپور و تهران محدود نماند. در همان هفته نخست مرداد ماه و روزهای نخست هفته دوم، سیل شهرها و روستاهای بیشتری را به کام خویش کشید. بنابه گزارش های رسمی، سیل در ۱۰ استان کشور جاری شده است. از آن بین می توان از شهرهای الیکودرز، باختران، شهرکرد، اصفهان، شیراز، سمنان، طالقان، همدان، فیروزکوه، مردآباد، ایلام، خوانسار، کاشان و فارس نام برد.

در پی بارش سنگین باران،

هرآورد و اعلام کرده اند. بنابه گزارش های رسمی ۵۰ خیابان واقع در شمال شهر تهران در اثر جاری شدن سیل آسیب دیده اند که تلفات و خسارات برخی از این خیابانها بسیار زیاد اعلام شده است.

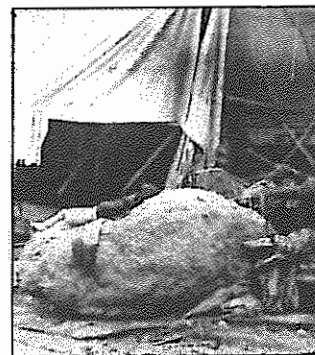
سیلاب خونین در مسیر خود، سنگهای عظیم کوههای اطراف را از جا کند و بر سر مردم فروکوبید. شهردار تهران در مصاحبه با روزنامه اطلاعات ۸ مرداد اعلام کرد: "در طول مسیر سیل، از سرپند تا میرداماد، دمهاسنگ ۲ تا ۵۰ تنی دیده می شود که حتی شهرداری قادر به جابجایی آنها نیست."



ویرانی بر جای مانده از سیل در تهریس

رودخانه های سولی دره، رودخانه بزرگ روددهن، رودخانه بزرگ بومهن نیز طغیان کردند و سیلاب ناشی از این طغیان، مناطق روددهن، دماوند و چابگرد را زیر امواج مخرب خود گرفت. هزاران کشته، مجروح و مفقود و صدها میلیون تومان خسارت نتیجه جاری شدن سیل در این مناطق می باشد. بنابه گزارش های دولتی، جستجو برای یافتن اجساد کماکان ادامه دارد.

در جریان دوروز سیل، شن و ماسه جاری گشت و دهانه یلپرو در دهانه سرپند بسته شد و در صورت پارندگی مجدد، خطر سیل مجدد منطقه را تهدید می کند. مردم تهران بنابه دودلیل، رژیم خمینی را مسئول سیلاب خونین می شناسند. نخست آنکه، رژیم هیچگونه اقدامی برای منحرف کردن سیلاب احتمالی از نقاط سیل گیر به عمل نیاورده است بطوریکه اکنون نیز احتمال وقوع مجدد آن در هر زمان باقی است و دوم آنکه نیروهای دولتی پس از وقوع سیل هیچ اقدامی برای محدود کردن دامنه سیل به عمل نیاوردند. گزارش های رسیده از نقاط سیل زده شهر تهران حاکی است، مردم در نقاط شمالی شهر از نظر مواد خوراکی در تنگنا قرار دارند و بسیاری از مردم در واحدهای مسکونی نیمه ویران که احتمال ریزش آن ها بسیار قوی است، پسر می پرند و رژیم در جهت انتقال آنها کمترین اقدامی به عمل نیاورده است.



بارش سنگ از آسمان ...
سیل سنگهای عظیم ۲ تا ۵۰ تنی را بر سر مردم شیران کوبید

سیل در دیگر شهرها

خبر جاری شدن سیل در روستای بوژان از توابع نیشاپور که منجر به

«پیشنهادهای سازنده، گنشر برای رعایت حقوق بشر در ایران»

جمهوری اسلامی در مورد تشکیل یک «سپوزیوم» از «دانشندان» و کشور برای بحث پیرامون حقوق بشر تاکید کرده است!

اگر چنین «سپوزیوم»ی تشکیل شود، لابد از طرف جمهوری اسلامی، آیت الله محمدی گیلانی و ابدالله لاچوردی و صادق خلخالی... شرکت خواهند جست. هر چه باشد، آنها در زمینه «حقوق بشر» نه تنها از همه «ساحب نظر»ترند، بلکه «عالم بی عمل» هم محسوب نمی شوند!

سازمان عفو بین المللی - شاخه آلمان فدرال پس از سفر ولایتی به آلمان فدرال، از دولت بن به علت عدم مطرح شدن مسئله نقض حقوق بشر در ایران در مذاکرات کنسر و ولایتی انتقاد کرد. سخنگوی وزارت خارجه آلمان فدرال، بدنبال این موضعگیری سازمان عفو بین المللی با سراسیمگی اعلام داشت که البته، موضوع حقوق بشر نیز مورد بحث طرفین قرار گرفته است، بدین صورت که کنسر باردیگر بر پیشنهاد ۱۹۸۴ خود به

«جاذبه توریستی، سفارت جمهوری اسلامی در پاریس»

است. حزب الهی ها، میهمان وزارت خارجه فرانسه هستند. وزیر خارجه فرانسه گفته است، پاریس خود را برای یک کشمکش طولانی با تهران آماده کرده است تا سرشفت واپستگان به سفارت های دو کشور در دو پایتخت روشن شود. در این «کشمکش طولانی»، به حزب الهی های سفارت خمینی در پاریس با روزی ۹ هزار فرانک که می خورند، بد نمی گذرد! دولت فرانسه، فعلا به بهانه «جنگ سفارتخانه ها» صد ها میلیون دلار بدهی خود را به ایران بالا کشیده است. وحید کرچی و سایر فرستادگان رژیم، هنوز برای عیش و نوش محل بسیار دارند.

به نوشته مطبوعات غرب، سفارت جمهوری اسلامی در پاریس که هنوز در محاصره پلیس فرانسه است، به یک «جاذبه توریستی» تبدیل شده است. وحید کرچی سردسته تروریست ها هنوز در آنجا است و گاه بگاه سروکله اش در حیاط سفارت پیدا می شود. آنگاه خبرنگارانی که از پیش کسین کرده و مترصدند، تند و تند از این موجود عکس و فیلم می گیرند.

اما آنچه از همه جالب تر است، مراسم تحویل غذا به حزب الهی ها است که روزی دوبار تکرار می شود. برای ۴۵ فرستاده خمینی، در هر وعده ۴۵ جعبه می برند، چلوکباب، سالاد، میوه، نوشابه. مخرج دیپلماتها و کارمندان سفارت روزی ۹ هزار فرانک

صدور انقلاب آخوندی



کاریکاتور از لوموند

سوراخهای نان و آب دار

معامله اسلحه با آمریکا و اسرائیل در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ آیت الله حسن کربویی، از نزدیکان احمد خمینی و دارای پروپا به چهاران، بوده است. این آیت الله که در اولین تماسها متقاضی تبدیل شدن به عامل سیا و موساد می گردد، رشوه های کلانی از «اخبار آمریکا» نوشته است، از ۵/۱ میلیون دلار پولی که شرکت نفت ایران در سال ۱۹۸۵ بابت خرید ۵۰۸ موشک تاو اسرائیلی پرداخت، مبلغ ۶۰۰ هزار دلار آن به صورت اسکناسهای ۱۰۰ دلاری در سوئیس به شخص کربویی به عنوان رشوه پرداخته شد. به آخوندهای طرف معامله علاوه بر رشوه نقدی، رشوه «جنسی» نیز پرداخته می شود. مجله «اخبار آمریکا» از قول منابع اسرائیلی نوشته است، در سال ۱۹۸۵ برای نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در خارج فاحشه نیز تدارک می دیده اند. در میان این نمایندگان مسئول خرید اسلحه، آخوند متاملی دارای ۶ بچه نیز بوده است که خواهان یک «دختر واقعا مسلمان» می شود. مقامات جاسوسی غربی از این آخوند با آن «دختر واقعا مسلمان» عکسهای در اختیار دارند که هنوز انتشار نیافته است.

ماشینی رفسنجانی اخیرا پس از احتمال تصویب قطعنامه ای در سازمان ملل مبنی بر تحریم اسلحه جمهوری اسلامی اعلام کرد، «جیب غربی ها آنقدر سوراخ است که ما از هر چه بخواهیم برداریم، می توانیم. بازار اسلحه در دنیا به گونه ایست که هیچ کس نمی تواند رویش کنترل داشته باشد. بعضی وقتها گرانتر و بعضی وقتها هم ارزانتر می توانیم بخریم». (کپهان ۵- مرداد). این سوراخهایی که رفسنجانی به آنها اشاره می کند، برای آخوندها خیلی منفعت دارد. هم از آنها اسلحه در می آید و هم رشوه برای طرفهای معامله و مقامات بالاتر. آمریکا و اسرائیل و بقیه نیز استفاده های خود را از این سوراخها می برند. معامله کاملا عادلانه و اسلامی است.

از سوراخهایی که راز آنها پس از ماجرای سفر مک فارلین به ایران برملا شد، طرفهای ایرانی معامله کننده - که آخوندهایی نیز در میان آنها بوده اند - نفخ فراوان برده اند. به نوشته شماره ۲۲ ژوئن مجله اخبار آمریکا و گزارشهای جهانی - که به دلیل نزدیکی پایتختگون وزارت خارجه آمریکا معمولا خبرهای دست اولی دارد - یکی از آخوندهای طرف

طرحی از زندان

می کردند. یکی می نالید، «آه شکم، شکم!» کوشیای خود را با دست می گرفتیم. به یاد فرانتس و حرف او افتادم، «اگر شده که زبانم را هم بهم، به رفقایم خیانت نمی کنم!» در من تپش جای خود راه فکر کردن داد. باید انکار می کردم. اگر الف می گفتیم، تمام الفبا را با شلاق از من بیرون می کشیدند.

ولفگانگ سپانسکی، زندانی اردوگاه هیتلری «زاکسن هاوزن»، که طرح این صفحه را خلق کرده، می نویسد:

«در سلول، تنها یک تخت بود. فک هایم از ضرباتی که زده بودند درد می کرد. فریاد ها و ناله های زندانی های سلول های دیگر مرتب بیدارم



صفحاتی از "سیاحتنامه ابراهیم بیگ"

خواب قرون وسطایی بر می خیزد، به شام می رسد. "سیاحتنامه ابراهیم بیگ" داستان مسافرت های یک بازرگان ایرانی است که پس از سالها اقامت در خارج از کشور، با دلی جرشار از عشق و شوق به میهن باز می گردد. او مشاهدات خود را بر این نخستین یادداشت ها ۱۲۷۴ شمسی، یعنی در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه منتشر کرد. گزیده های حکومت، هر جا که نسخه هایی از این کتاب را می یافتند، صاحب خانه را فلک می کردند و از او جریمه می گرفتند. "سیاحتنامه ابراهیم بیگ" را ورق می زنیم.

کتاب "سیاحتنامه ابراهیم بیگ" از خوانندنی ترین سفرنامه های است که درباره ایران عهد قاجار نوشته شده است. در این کتاب، نویسنده - که خود را به نام زین العابدین مراغه ای معرفی کرد - است - با بیان شیرین و طعنه گزیده خود، چهره استاد فلورانی، جاهلیت آخوندی و حماقت اشرافی را می نمایاند.

"سیاحتنامه" ابراهیم بیگ "حکایت آخرین سالهای پیش از انقلاب مشروطیت است. از نظر مظهر این کتاب، فضای جامعه ای که کم کم از

شهر معاصر ایران

لش

مرگ «نازلی»

« نازلی! بهار خنده زد و ارغوان شکفت.
در خانه، زیر پنجره گل داد باس پیر.
دست از گمان بدار!
با مرگ نحس پنجه می کن!
بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار...»

نازلی سخن نگفت،

سرافراز

دندان خشم بر جگر خسته بست و رفت.

□

« نازلی! سخن بگو!

مرغ سکوت، جوجه مرگی فجیع را
در آشیان به بیضه نشسته است! »

نازلی سخن نگفت،

چو خورشید

از تیرگی برآمد و در خون نشست و رفت.

□

نازلی سخن نگفت

نازلی ستاره بود:

یک دم درین ظلام درخشید و جست و رفت.

نازلی سخن نگفت

نازلی بنفشه بود:

گل داد و

مژده داد: «زستان شکست!»

و
رفت...

از مجموعه "هوای تازه"

سواد آخوندی

در شهر شاهرود مسافرا از مکتب خانه ای دیدن می کنند یوسف عمو گفت بهتر است که یکی از مکتبها و یا مدرسه این شهر رفته، وضع آنها را تماشا کنیم. از آقا رضا پرسیدم این شهر مکتب دارد. گفت بلی، از همه جهت سه باب مکتب هست. و یکی بسیار دور است که بچه های ما در آنجا است. و یکی هم در بازار تجاران و نزدیک است. اما آنجا برویم چه بگوئیم. در آنجا مرا چندان نمی شناسند بهتر است که یکی طلبکار و دیگری مقروض باشیم و بیانه نویساندن تمسک و حجت بدانجا برویم تا مقصود شما حاصل آید.

... قدری شوخی کردیم که ناگاه از طرف دیگر صدای دوری بلند شد. از هر طرف بانگ میزدند، برویش، بایست، آستین عبا را بپوش. من در کمال حیرت بدانسوی نظر کردم، دیدم یک نفر جوان بلند قامت که سیلهای کشیده داشت سواره می آید و سی چهل نفر با چوبدستهای بلند بردیف نظام از دوطرف او می آیند. در پیشانی آنان یک نفر خرچوش دیوچهر و در پشت سر آن ده یست نفر سوار با تیپ می آیند. از آقا رضا پرسیدم که این چه هنگامه است. گفت حاکم شیر است، بشکار می رود. بما گفت دست ایستاده هنگام عبور آن دکر نشسته و نظم نمایند، چنانکه دیگران میکنند. چون یک نظر کردم دیدم می از چهار جانب و شش جهت سجده است که مردم میکنند. آنها هم باری بزرگواری خود نیاورده از چپ راست می سیلهای خود را تاب میدهند. گفت هر گاه تعظیم نکنیم چه میشود؟ گفت آنطرفش را فراموش میدانند و چوبدستهای آنان. گویا از حیات هم سیر شده اند؟ گفت نه. هزار گونه آرزو در دل دارم. در نهایت ادب راست ایستاده هنگام نزدیک شدن حاکم در کمال فروتنی رکوعی بجای آوردم. در سیده بود بلائی ولی خبر گذشت.

باری میبکشد و میدیم. این مکتب در بازار تجاران است. تخمیناً سی ذرع طول و ده ذرع عرض دارد. زیاده بر یکصد نفر اطفال معصوم در آنجا جمع بودند. برخی از آنان روی خاک و بعضی در روی نمدها به و چند نفر در روی حصیر و جمعی در روی پارچه گلی برای تعلیم نشسته، مثلشان پیرمردی معصوم بود. داخل درون مکتب شده سلام کردیم. معلم از قبل و قال اطفال سلام مارا نشنید. ما هم بگوشه نشستیم. آخوند پرسید چه فرمایشی دارید. یوسف عمو گفت من بدین شخص هفتاد تومان مقروضم. خواهش دارم از طرف بنده مبلغ مذکور حجتی بنام این شخص بنویسید. گفت خیلی خوب. اسم شما چیست؟ گفت عبدالنثار.

... اسم آقا؟

گفت: ابراهیم بیگ. پرسید بیع شرط دارد؟ گفت بلی، خانه بنده.

پرسید: خانه کجاست؟

در اردبیل.

فرع چه قدر قرار شده؟

گفت: ماهی پنگومان، بمقت ششماه. آخوند نوشت. بعد از اختتام بر ما نیز خواند. در آورده نیم قران دادم و حجت را گرفتم. دیدم که خیلی متون شد. گفت ماشاء الله خیلی شاکر داری. گفت بلی، چند نفر دیگر هم هستند که امروز نیامده اند. پرسیدم اطفال چه میخوانند؟ گفت بعضی التبا، برخی جزو عم، جمعی قرآن مجید. بزرگان که در این صف نشسته اند گلستان و بوستان و حافظ و همه چیز. گفت جناب آخوند حافظ چه دخلی پدرس دارد. گفت یعنی چه، حافظ شیرازی دخل پدرس ندارد؟ گفت معلوم است که دیوان حافظ عبارت از اشعار متین است در تصوف که خوانندگان کمتر کسی معنی آنها میفهمد. اطفال

از خوانند آن، که ظاهر آ سراپا سخن ازباده وساده و محبوب و محبوبه و عشق بازی است چه پوره حاصل تواند نمود. گفت پس در اردبیل که ولایت شاست در مکتبها باطلال چه درس میدهند.

گفت: مملکت ما اردبیل نیست. گفت پس کجاست؟ گفت فند، دیگر از کره زمین. گفت از قول شما چنان معلوم میشود که طرف شیراز با بغداد باید باشد گفت هیچکدام نیست بلکه آمریکا است. گفت آمریکا باید نزدیک سلسا باشد. دیدم خیلی آخوند است گفت بلی اما شما باید باطلال از جفرانی و هندسه نیز درس بدید. گفت هندسه کدام است. گفت حساب نیکو میدانید «فرغونی»؟ زمین را میخوانند معلوم کنید؟ گفت میدانم. باطلال حساب دینار یاد میدهم، خود نیز هندسه را میدانم ولی باطلال درس نمیدهم. گفت از جمع و تقسیم که نخستین مرحله حساب است چیزی بنویسید ببینم. گفت چه بنویسم؟ گفت بنویسید یکوزار و دوست و سی و چهار، بدین شکل نوشت ۱۰۰۰۲۰۰۳۰۴. گفت جناب آخوند این ارقام از یک میلیارد گذشت. باری خواستم از اطفال نیز چیزی پرسیم. سلاطین کردم که بیشتر مایه اوقات تلخی خواهد شد. صرف نظر نمودم.

اجمال سیاحت اردبیل

در این ولایت اهالی مشغول ملا بازی است. در هر دکان و خانه صحبت از فلان مجتهد و فلان شیخ الاسلام و پیش نماز است، و بعضی هم به صحبت گامیشان جنگی سرگرمند. یکی میگفت سبب مطلوبی گاه میش آقا آن بود که هنگام کله زدن آفتاب بسوی او میناید، و از این قبیل مسملات. ابداً از دنیا و آخرت خبر ندارند. از منافع نزدیک ثروت عمومی و علم میشت و حب وطن با همه غافلند.

«مردداند ولی زنند»
«زننداند ولی مرد»

دکان فضل فروشی

در مساجد و منابر ایران چه فضیحت کاری می شود... اهالی، مسجد را گویا مغازه قرار داده، آخوندها دکان فضل فروشی خویش. هینکه بیچاره ای داخل مسجد شد پنج ساعت تمام مانند اشتر زانو بسته باید بنشیند. دوش و اعلا، چهار نفر روضه خوان، یکدسته شاکرد. یکی بالا میروند، دیگری پایین می آید. اگر یک نفر از جالسین را باقتضای طبیعت بشری تقاضائی پیش آید و یا کار واجب فوتی برسد و بخواهد از جای خود برخیزد گویا از دین اسلام و شریعت ارتداد جسته، یا حقارت تمام از بالای شیر داد میزنند:

«ای خبیث، مجلس را بهم مزین، یعنی بشن و آنچه بدهن من از نیک و بد و راست و دروغ می آید گوش داده زشت و زیبای مرا تصدیق کن. و در آخر هم آنچه از نند و جنس داری بمن احسان نما.»

نه خود تمیز دارند و نه میبزی در میان خلق دیده میشود که صدق را از کذب تشخیص دهد و حق را از باطل فرق گذارد... محاروف نیست، حکومت نیست، عقل نیست، مروت و انصاف نیست. هر مخراب دین و مذهب... هر استبدادهای عقلی و شرعی که شنیده در ورق پاره نوشته کالو ح النزل قرار میدهند و گمانشان این است، و یا همچون جلوه میدهند، که هر کس اعتقاد به این خرافات نماند کافر است و از دین و آئین بری... روضه خوانهای بی سواد و ملانماهای بی علم و عقل هر چه بگویند و تصدیق نکنی کافر بشوی. یک ملک بدین بزرگی، کاسه سر حوض باین بزرگی، در حوض ماهیان بدین بزرگی، چشمان ماهیان از یاقوت سرخ باین بزرگی و بدین قیمت. هر کس به آخوند پول دهد قسمت او خواهد شد.

نقشه‌های جدید آنکارا برای سرکوب در کردستان

همانگونه که در شماره ۱۶۵ نشریه گزارش دادیم، تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه اعلام کرده است آنکارا اقدامات جدیدی در جهت سرکوب جنبش ملی کرد انجام خواهد داد. در شماره ۱۶۶ نوشتیم اوزال در سفر به سوریه، با مقامات این کشور مذاکراتی پیرامون اعمال فشار بر رزمندگان کردها عمل آورده است. رژیم نظامی ترکیه، برای پیشبرد نقشه‌های سرکوبگرانه‌اش در کردستان، دو سیاست را همزمان با یکدیگر به اجرا گذاشته است. از یک سو، برخی پروژه‌های بزرگ سد سازی برای امور آبیاری و برق رسانی در این منطقه به اجرا در می‌آید. در روز ۶ ژوئیه، در حالیکه نیروهای امنیتی ۵ هزاره نفره، حفاظت از نخست وزیر را برعهده داشتند، اوزال دو مرحله از ساختمان یک سد بزرگ را افتتاح کرد. پروژه‌های دیگری نیز در همین زمینه در دست اجراست. از سوی دیگر، رژیم آنکارا به بهانه "ضروریات فنی" دست به کوچاندن اجپاری میلیونها تن از مردم کردها زد. رژیم می‌خواهد کردستان را بدون حضور کردها "مدرنیزه" کند!

رژیم آنکارا، مقاومت مردم کرد علیه کوچ اجپاری را "تروریسم" می‌نامد. اقدامات گروه افراطی "حزب کارگران کردستان" به عنوان بهانه مورد استفاده قرار گرفته است. اما آنچه از سوی رسانه‌های دولتی ترکیه "تروریسم" نامیده می‌شود، جنایات خود مزدوران رژیم است که برای بی اعتبار کردن مبارزان کرد انجام می‌گیرد. حتی در مواردی دیده شده است که مهاجمین به روستاها، انیفورم ارتشی برتن داشته اند.

در روز ۱۵ ژوئیه، مطبوعات خبر دادند که ژنرال نجیب تورومتای، فرمانده نیروی زمینی و رئیس موقت ستاد ارتش ترکیه به دیار بکر رفته است. در همان روز، روزنامه رسمی ترکیه یک مصوبه دولتی را منتشر ساخت که به موجب آن، پست جدیدی بنام "فرماندار منطقه وضعیت فوق العاده" ایجاد می‌شود. "وضعیت فوق العاده" نام جدیدی است که آنکارا به حکومت نظامی داده است.

منطقه مزبور شامل استانهای بینگول، دیاربکر، آلازیریک، حاکاری، ماردین، سی اربت، تونجلی و وان می‌شود. در آغاز بهار امسال، ارتش ترکیه دست به عملیات وسیعی در کردستان زد که "تربین" عملیات آتی محسوب می‌گردد. ارتش، پساری از مردم را بازداشت و مرزهای ترکیه و عراق را مین گذاری کرد. چندین روستا در خاک عراق بمباران شد.

دولت ترکیه مانع ورود خبرنگاران خارجی به منطقه گردنشین این کشور می‌شود. گزارش‌های آنکارا می‌گردند، همگی دست کاری شده و حاوی ادعاهای تبلیغاتی و گزارش‌های جعلی رژیمند.

برای آن که دریا بیم کوچاندن اجپاری مردم کردستان به چه معناست، کافی است نمونه شهرستان سامسات را ذکر کنیم. برای احداث سد "آنتاتورک" ۵۵ هزار نفر سکنه این شهرستان که ۸۵ درصد آن ها دهقانان بی زمین و کم زمینند، باید به اجبار خانه و گاشانه خود را ترک کنند.

برای هر خانه، تنها ۴ هزار لیره و برای هر متر مربع زمین تنها ۳ لیره غرامت دولتی پرداخت خواهد شد. با این مبلغ ناچیز، در هیچ جای ترکیه نمی‌توان زندگی نوینی آغاز کرد. تاکنون از نتایج سفر اوزال و هیات ۱۱۲ نفری همراهش به سوریه که نزدیک به سه هفته پیش انجام گرفت، گزارشی منتشر نشده است. این امر نشان می‌دهد که بین دو طرف هنوز اختلافات زیادی بر سر راه معاهده‌ای نظیر قرارداد ۱۹۸۴ ترکیه و عراق وجود دارد. ترکیه می‌خواهد دمشق را از طریق تهدید به بستن آب رودخانه فرات به روی سوریه، وادار به موافقت با "حق تعقیب" برای نیروهای سرکوبگر ترک سازد.

در هر حال چه میان ترکیه و سوریه در آینده در این مورد توافق صورت گیرد و چه نگردد، رژیم ناتیوی ترکیه قصد دارد به هر قیمت که شده، جنبش خلق کرد را با نیروی نظامی سرکوب کند.

غائله مکه، زمینه‌ها و پی آمدها

بقیه از صفحه اول

چهارم — اسلام معرفی می‌کنند. این امر بی گمان برای رژیم سعودی - که انبیز داعیه رهبری بر جهان اسلام را دارد - خوشایند نیست. در سالهای گذشته نیز بین پلیس عربستان و حجاج حزب اللهی درگیری‌هایی پیش آمده بود. پلیس سعودی حجاج ایرانی را به شدت زیر نظر دارد و در فرودگاه آنها را دقیقاً کنترل می‌کند. بنا بر فیلی که امسال سعودی‌ها نشان دادند سال گذشته از کیف حجاج ایرانی مقادیری ماده منفجره پلاستیک کشف کرده‌اند.

در چند ماهه گذشته، بر جنبه بین المللی جنگ ایران و عراق افزوده شده است. رژیم خمینی می‌کوشد فشار بین المللی بر روی خود را با نوع ویژه‌ای از فشار بین المللی تحت اختیار خود پاشد. از طریق جریان‌های اجبر در منطقه، از طریق پان اسلام و از طریق تروریسم بین المللی. خمینی گمان می‌کرد که کردهای حجاج، می‌تواند زمینه‌ای برای بروز فشار بین المللی حزب اللهی باشد. از همین رو بود که وی پیش از غائله مکه پیام ویژه‌ای را صادر کرد و در آن خواستار پراشت مسلمین از مشرکین به صورت یک راهپیمایی گسترده در مکه و دادن شعار جنگ جنگ تاپیروی شد. پیش از این پیام، در مدینه یک راهپیمایی بدون درگیری برپا گشته بود، اما حزب الله تصمیم داشت، قدرت "بین المللی" خود را در خانه خدا به نمایش بگذارد. اما نمایش قدرت، به نمایش قدرت پلیس سعودی تهدیل شد. در خانه خدا از امدادهای غیبی رایج در

جنبه‌ها خبری نبود. کشته شدند، زیر دست و پا ماندند و پا دست و پا شکسته گریختند. و در این میان خون عده‌ای ایرانی نیز فدای معرکه‌گیری‌های خمینی، گشت. حزب الله پس از این که نتوانست در خانه خدا قدرت نمایی کند، به فکر قدرت نمایی در خانه خود افتاد. در روز پس از حادثه، ریختند و سفارتخانه‌های عربستان سعودی و کویت را تصرف کردند. عزای عمومی برپا شد و تقاریرات همیشگی حزب الله رژیم کوشید از حادثه به نفع خود بهره‌برداری کند، احساسات عمومی را تحریک نماید، خود را مظلوم نشان دهد و از تب بالارفته شونیستی اسلامی حزب الله برای کشیدن عریده‌های جنگ طلبانه بیشتری، سود جوید.

رژیم خمینی پس از بلوای مکه فلک زده‌تر شد. تشنج در منطقه بیشتر بالا گرفت. رژیم، خشم عربستان و دیگر کشورهای عربی - به جز لیبی - را علیه خود برانگیخت. رژیم عراق پیش از پیش عربستان را در کنار خود یافت. افکار عمومی بین المللی نیز به نمایش دست و پا شکستگی حزب الله با نفرت و تمسخر فکریستند. روسای سه قوه تشکیل جلسه دادند. خمینی پیام صادر کرد و پس از آن آیت الله‌های دیگر و حجت الاسلام‌ها و ثقة الاسلام‌های دیگر، همه گفتند، می‌زنیم، می‌کشیم، می‌پریم، و اینهمه مصرف داخلی داشت. اما فقط حزب اللهی‌ها، حزب اللهی‌تر شدند. توده مردم به این نمایش‌ها با نفرت بیشتری می‌نگرند.



تصرف سفارت کویت در تهران - حزب الله پس از این که نتوانست در خانه خدا قدرت نمایی کند، به فکر قدرت نمایی در خانه خود افتاد. در روز پس از حادثه، ریختند و سفارتخانه‌های عربستان و کویت را تصرف کردند.

اعتصاب غذای...

بقیه از صفحه آخر

دستگیری آنان به محل سکونتشان مراجعه کرده است.

در پی این اقدام دفتر سازمان ملل، تعدادی از پناهندگان ایرانی مجدداً از ۷ تیرماه در محل بیمارستان جنرال در بانکوک دست به اعتصاب غذا زده‌اند. اینگونه برخوردهای غیرمستولانه سازمان ملل و پمواژات آن رفتار غیرانسانی و تضییقات فزاینده‌ای پلیس تایلند، پناهندگان

چشم انداز اقتصادی سال ۱۹۸۷

مقاله ای از ویکتور پرلو

رئیس شعبه اقتصادی حزب کمونیست آمریکا

کارشناسان اقتصادی بین المللی، در این اتفاق نظر دارند که جهان سرمایه داری در آستانه دور جدیدی از بحران ادواری قرار گرفته است. این بار، عمر "رونق" اقتصادی سرمایه داری حتی به یک دهه هم نرسید. در آمریکای شمالی، مهمترین مرکز امپریالیسم، نخستین علایم فائز زولی اقتصاد، از سال ۱۹۸۵ پدیدار شده اند. در طول سال ۱۹۸۶ این نشانه ها فرونی یافتند. مقاله زیر، که در آغاز سال ۱۹۸۷ نوشته شده، به بررسی همه جانبه اقتصاد سرمایه داری، به ویژه در ایالات متحده می پردازد، و تا پایان سال ۱۹۸۷، پیشرفت در روند بروز کامل بحران را پیش بینی می کند. بروز کامل بحران در آمریکا، سایر بخشهای اقتصاد جهانی سرمایه داری، از جمله کشورهای "رشدیافته" را نیز دچار عواقب خود خواهد ساخت. با قطعیت می توان گفت در حیات سرمایه داری، دوره ای آغاز می گردد که مشخص آن، بی ثباتی اقتصادی و ناآرامی های اجتماعی است. مقاله حاضر، این حکم را اثبات می کند.

در سال، در اروپای غربی ۷۴٪ و در آمریکای لاتین ۶۷٪ در سال بود. این رقم در آمریکای لاتین به معنای کاهش شدید تولید سرانه است.

رشد متوسط در ژاپن در همین مدت ۴/۰۸ درصد در سال بود. اما در سال ۱۹۸۶، حتی صنایع ژاپن نیز دچار رکود شد. در کشورهای رشدیافته آسیا، تولید به سرعت و با آهنگی معادل ۷/۸۷ درصد در سال رشد یافت. بسیاری از این کشورها، به محل مناسبی برای معاملات و صنایع وابسته و منبع سودهای شرار برای شرکت های چند ملیتی تبدیل شده اند. در این کشورها، شدت استثمار در سطح بالایی است، ساعات کار زیاد و دستمزدها، حتی برای کار تخصصی با آخرین سطح تکنولوژی، پایین است. دیکتاتوری های نظامی سرکوبگر، با تکیه بر نیروهای آمریکایی، بر "موفق ترین" این کشورها، یعنی کره جنوبی و تایوان حکم می رانند.

در اروپای غربی تفاوتها برجسته اند. مثلاً فنلاند، که تجارب گسترده ای با کشورهای سوسیالیستی دارد، در دهه ۸۰ دچار رکود شد و تولید صنعتی آن افزایش یافت. اما در سال ۱۹۸۵ تولید در بریتانیا ۶ درصد، در ایتالیا ۳ درصد و در فرانسه ۲ درصد کمتر از بالاترین سطح آن بوده است. در آلمان غربی، که همه بعنوان "لکوموتیو" اقتصاد سرمایه داری بدان امید بسته بودند، تولید در سال ۱۹۸۵ تنها ۴ درصد بالاتر از ۱۹۷۹ بود، در حالیکه رشد تولید در جمهوری دمکراتیک آلمان، همسایه سوسیالیست آلمان غربی، در همین مدت به ۲۸ درصد بالغ شد.

شرایط در کشورهای رشدیافته که از پیش نیز بسیار وخیم بود، به حد زیادی وخیم تر شد. این کشورها دچار قروض هنگفت به بانکهای امپریالیستی، کاهش بهای نفت و سایر مواد خامی که صادر می کنند، افزایش بهای واردات، و قرار سرمایه های سرمایه داران و نظامی گران "خودی" به محل های امن در ایالات متحده و سوئیس هستند. بسیاری از دولت های این کشورها، تسلیم فشارهای امپریالیستی برای جلوگیری از هرگونه اصلاحات واقعی و بازگشت پذیر کردن اصلاحات پیشین می گردند.

یک نمونه، وضعیت مکزیک است که بخش اعظم صادرات نفت، میوه و سبزیجات تازه و قطعات صنعتی خود را به ایالات متحده صادر می کند. طبق آمار اتاق بازرگانی آمریکا در مکزیک، طی ده سال بقیه در صفحه بعد

کذاشته، بخش غیرنظامی آن را تضعیف می کند. این روند که بقیه جهان سرمایه داری را نیز به دنبال خود می کشد، بحران ساختاری سرمایه داری جهانی را عمیق تر کرده به رکود صنعتی همه جانبه آن دامن می زند.

اکنون طبقه کارگر و خلق های تحت ستم بطور فزاینده ای دست به مقابله با یورش سرمایه می زنند. کارگران اروپای غربی به موفقیت های مهمی دست یافته اند. اعتصابات در ایالات متحده، بیشتر و ستیزچوینانه تر می گردند و رفته رفته به پیروزیهایی دفاعی، دست می یابند. مقاومت ضد امپریالیستی، از کره جنوبی تا شیلی، دست به جمع آوری نیرو می زند. در پایان سال ۱۹۸۶، دولت ریگان و گردانندگان وال استریت دچار بحران عمیقی شدند. آنها در سال ۱۹۸۷ با بی اعتباری در برابر افکار عمومی آمریکا و جهان مواجه هستند. با افشای چنچالی موارد فساد در واشنگتن و وال استریت، احساسات عمومی علیه تئوریهای اقتصادی ریگان مبنی بر اینکه "تشویق سرمایه"، "کاهش کنترل دولتی" و "خصوصی کردن" راه دستیابی به رشد است، تغییر جهت می دهد.

دهه بحران سرمایه داری

رشد صنعتی جهان سرمایه داری در دهه ۸۰ دچار رکود واقعی شده است. در این دهه، سرمایه داری جهانی یک دور از بحران ادواری را از سر گذرانده، و شواهد زیادی حاکی از آن است که ایالات متحده و کانادا وارد دور جدیدی از آن شده اند. طبقه کارگر آمریکا، از هم اکنون نشانه های بحران ادواری را علاوه بر روند طولانی مدت وخامت شرایط اقتصادی، که در دهه ۸۰ تقویت شده است، احساس می کند. در فاصله ۱۹۷۹، سال اوج یک دوره از بحران، تا ۱۹۸۵، تولید صنعتی جهانی سرمایه داری ۵/۹ درصد، یعنی کمتر از یک درصد در هر سال، افزایش یافته است. این رقم، بسیار کمتر از آهنگ رشد جمعیت است. در همین فاصله، در کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی، رشدی معادل ۲۴ درصد، یعنی ۳/۶۵ درصد در سال، تحقق یافت و امکان بهبود واقعی سطح زندگی را فراهم آورد.

رکود صنعتی، دامن همه مناطق جهان سرمایه داری به استثنای خاور دور را گرفت. در ایالات متحده و کانادا، رقم رشد ۱/۰۵ درصد

در سالهای ۸۰، سرمایه به رهبری واشنگتن و وال استریت دست به تهاجم جهانی گسترده ای علیه زحمتکشان زد. در این تهاجم، از سلاح های نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شد. با اینکه یورش مزبور در سالهای ۷۰ آغاز گشت، اما در زمان حکومت ریگان به اوج خود رسید.

از جمله اقدامات اقتصادی در این رابطه، حذف بودجه های مصارف اجتماعی، انتقال گسترده تولید از ایالات متحده و سایر کشورهای پیشرفته به کشورهای فاقد حقوق کارگری با دستمزدهایی معادل ۵ تا ۱۰ درصد سطح آن در آمریکا، حملات مستقیم به سندیکاها و تلاش دولت و سرمایه داران جهت کاهش دستمزدها و درآمد کارگران همراه با انتقال وسیع بار مالیات از سرمایه به دوش زحمتکشان بوده است.

این یورش ضد کارگری، به افزایش سود انحصارات انجامیده که در کنار تنزل سطح زندگی کارگران، باعث تشدید قطب بندی در توزیع رفاه و ثروت شده است.

یورش مزبور، تضادهای اقتصاد جهانی سرمایه داری را عمیق تر، و بحران ۱۵ ساله مالی را پیچیده تر کرده است. این بحران ممکن است در سال ۱۹۸۷ با تمام قدرت خود را نشان دهد.

آنچه به یورش ضد کارگری دامن زده، نظامی کردن اقتصاد است که ابعاد و میزان آن به سطح زمان جنگ کره و جنگ ویتنام می رسد. بودجه صرف شده برای خرید کالاهای نظامی به قیمت های سال ۱۹۸۲، از ۲۲/۷ میلیارد دلار بطور متوسط سالانه در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۷، به ۶۳/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ رسید و پیش بینی می شود که در سال ۱۹۸۹ به ۷۲/۳ میلیارد دلار برسد. این ارقام نشان دهنده سه برابر شدن مخارج تهیه تجهیزات نظامی است. مخارج پژوهش ها و تحقیقات نظامی، بازم به بهای سال ۱۹۸۲، از ۶/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۳ به ۲۴/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ رسید. جنگ ستارگان، به این افزایش دامن خواهد زد، به گونه ای که برای سال ۱۸۸۹ این رقم معادل ۳۱/۳ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است، که به معنای ۵ برابر شدن آن است.

یک چهارم کل کالاهای اساسی برای مصارف نظامی خریداری می شود. اگر خریدهای "غیرنظامی" تولیدکنندگان اسلحه را نیز در نظر بگیریم، این سهم معادل یک سوم است. نیازهای نظامی، تحقیقات و اختراعات صنعتی را تابع خود کرده و بطور جدی، مانع پیشرفت تکنولوژی و علوم غیرنظامی شده است. این امر، تاثیر عمده ای بر اقتصاد ایالات متحده

چشم انداز اقتصادی...

بقیه از صفحه قبل

گذشته سطح واقعی دستمزدها در این کشور به نصف تقلیل یافته است. این کاهش، بطور عمده از ۱۹۸۲ بدین سو صورت گرفت. در سال ۱۹۸۲، صندوق بین المللی پول شروع به اجرای برنامه های "ریاضت کشی" جهت بازپس گیری اصل و بهره قروض خارجی مکزیک کرد. این برنامه ها بدون کوچکترین توجهی به تاثیر آن بر وضع زندگی مردم به اجرا درآمد. فلیکس جی روماتین و راجرسی آلتن که در بانکدار آمریکایی هستند، در باره "شکندگی مفرط سلامت اقتصادی و سیاسی" مکزیک می نویسند، "به زحمت می توان ابعاد بحران را بازگو کرد. پیش بینی می شود اقتصاد کشور امسال ۴ درصد رشد منفی داشته باشد که در تاریخ معاصر کشور کم سابقه است. دستمزدها بطور واقعی در قیاس با ۱۹۸۲، ۴۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافته اند... چنین کاهش عظیمی در درآمد مردم راضی توان به سادگی در تصور آورد. به این ارقام، نرخ تورمی معادل ۱۰۰ درصد، بیکاری ۱۴ درصد، کسری بودجه عظیم و جمعیتی با رشد برق آسا را بیافزایید. آنگاه، کشوری می بینید که در سراسر افتاده و از کنترل خارج شده است... فرار سرمایه، کسری بودجه داخلی و قروض هنگفت خارجی، چشمه سرمایه گذاریهای خصوصی را نیز خشک کرده است." (وال استریت جورنال، ۲۶ نوامبر ۱۹۸۶).

این وضعیت، با تغییراتی در اغلب کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا و برخی کشورهای آسیایی حاکم است. نه قروض کشورهای جهان سوم قابل پرداخت هستند و نه این کشورها می توانند بهره این مبالغ را بپردازند. برنامه های "ریاضت کشی" هر قدر هم که اجرا شوند، نمی توانند در این امر تاثیر گذارند.

از هم اکنون، شجاع ترین این کشورها نظیر پرو، رسا از بازپرداخت اقساط قروض خود، به استثنای بخش کوچکی، امتناع می ورزند. سایر بدهکاران، ظاهراً به بازپرداخت اقساط ادامه می دهند. اما برای این کار، بازم از بانکهای فراملیتی و صندوق بین المللی پول وام می گیرند و بر ابعاد مقروض بودن خود می افزایند.

برزیل، که با ۱۰۶ میلیارد دلار بدهی مقروض ترین کشور آمریکای لاتین است، خواهان کاهش عمده ای در نرخ بهره شده و اعلام کرده است که به میزان زیادی از پرداخت های خود خواهد کاست. لغو کلیه قروض و یا موافقت با کاهش عمده آن را دیگر نمی توان به تعویق افکند. و هرگاه برزیل از بازپرداخت تمام و یا بخشی از وام های خود عاجز بماند، دیگران نیز دچار همین وضع خواهند شد. بانکهای نیویورک، توکیو، فرانکفورت و لندن نیز دیگر نمی توانند منظور داشتن این وام ها بعنوان ضمانتهای خود را به آینده موکول کنند. از هم اکنون، وال استریت به فکر نجات خود به کمک پرداخت کنندگان مالیات است. با چنین طرحی باید به شدت مقابله کرد.

عین ترین و دراز مدت ترین بحران صنعتی در آفریقای جنوبی دیده می شود. در این کشور تولید از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶، ۳۱ درصد کاهش یافت. بیشترین میزان این کاهش، در سال ۱۹۸۶ روی داد. این،

نتیجه پیکار قهرمانانه خلق تحت ستم آفریقای جنوبی و کارزار جهانی برای وادار کردن انحصارات امپریالیستی به خروج از آفریقای جنوبی و توقف معاملات با این کشور است. تقویت کارزار جهانی برای انفراد اقتصادی کامل آفریقای جنوبی نژادپرست، می تواند به تسریع سرنوشتی رژیم اقلیت نژادی در این کشور یاری رساند.

کسری ها و قروض غیر قابل جبران

در عصری که بین المللی شدن سرمایه و بازرگانی اهمیت بی سابقه ای یافته اند، عدم توازن منطقه ای رشد تولید با ناموزونی های شدید در تجارت بین المللی همراه شده است. علت ناموزونی ها، عمدتاً اقدامات بانکها و شرکت های چند ملیتی است که سایر کشورها را غارت می کنند.

در اواسط دهه ۷۰، صادرات و واردات آمریکا تقریباً برابر بود. اما این توازن تقریبی به هم خورده است. اضافه واردات آمریکا در قیاس با صادرات (کسری موازنه تجاری) در سال ۱۹۸۰ به ۲۵ میلیارد دلار، در ۱۹۸۵ به ۱۲۲ میلیارد دلار، و در ۱۹۸۶ به ۱۵۷ میلیارد دلار رسید. در این سال، واردات ۷۲ درصد بیش از صادرات بود! چنین کسری موازنه ای، بی سابقه است. این امر، به تولید صنعتی و کشاورزی در کشور ما لطمه سنگینی وارد می آورد. علل این عدم توازن بدین شرح است:

* انحصارات آمریکایی برای دستیابی به نرخ بیشتر سود در قیاس با رقبای خود، قیمت ها را بالاتر می گذارند. این انحصارات، حقوق و مزایای هنگفتی به مدیران، بانکداران، مسئولان تبلیغات، حاکمان و وکلای خود می پردازند و دستگاه مدیریت چندین طبقه و عظیمی دارند. بنابراین تولیدات آنها، از لحاظ قیمت قادر به رقابت با شرکت های رقیب که بر مبنای "مختصر" تری کار می کنند، نیستند.

* میلیتاریسم آمریکا نیروی پژوهش و اختراع را از اختصاص یافتن به تولیدات غیر نظامی باز داشته است، به گونه ای که رقبا در زمینه کیفیت به سطح بسیاری از تولیدات آمریکایی رسیده و آنها را پشت سر گذاشته اند.

* شرکت های چند ملیتی آمریکا پیش از همه در انتقال تولید به خارج و تحویل کالا به بازارهای خارجی از شعب خود در خارج به جای صادرات از ایالات متحده فعال بوده اند.

* واشنگتن مصر است که کشورهای مقروض، پیش از آنکه از آمریکا کالا وارد کنند، به ایالات متحده صادرات داشته باشند تا بتوانند با به دست آوردن دلار، وام های خود را بازپردازند.

* در شرق آسیا وضعیت ویژه ای شکل گرفته است. در حالیکه شرکت های ژاپنی، صادرات به کره، تایوان و... را در دست گرفته اند، ایالات متحده بخش عمده صادرات این کشورها را جذب می کند. بدین ترتیب، علاوه بر کسری موازنه بسیار عظیم تجاری آمریکا با ژاپن، تقریباً همین کسری موازنه در تجارت آمریکا با کره جنوبی، تایوان، مالزی و... دیده می شود.

نشانه ای دیگر برای بحران ادواری، نرخ بسیار بالای بدهکاری است. در اواسط ۱۹۸۶، رقم قروض اقساطی مصرف کنندگان، یک ششم درآمد ها،

یعنی بسیار بالاتر از بیشترین رقمی که تا به حال سابقه داشته است، بود. قروض تجاری و صنعتی از سال ۱۹۷۹، ۵۰ درصد رشد واقعی داشته است. تاخیر در پرداخت دستمزدها به سطح دوران رکود اقتصادی رسیده است. موارد مصادره، تعطیلی و ورشکستگی روبه افزایش است.

شرکت ها، مشغول باز خرید سهام و اسناد خود هستند. این روند با موج ترکیب ها و انتقال ها که بیشتر با قروض هنگفت صورت می گیرد، تشدید می شود.

بدهی های دولت آمریکا در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ بیش از دو برابر شده است. کسری بودجه سالانه به ۲۰۰ میلیون دلار بالغ می گردد. بدین ترتیب قروض دولت تا پایان این دهه به ۲ هزار میلیارد سر خواهد زد.

حجم زیاد قروض که خود معلول نرخ بالای بهره نیز هست، به افزایش نرخ بهره دامن زده است. نرخ بهره برای کشاندن سرمایه از کشورهای دارای ذخیره و جبران کسری بودجه آمریکا افزایش یافت. اما تضعیف اقتصاد آمریکا، می تواند به توقف جریان ورود سرمایه و حتی بازگشت سرمایه هایی که قبلاً وارد شده است، بیانجامد. خروج سرمایه ها می تواند به بحران فوق العاده حاد مالی بیانجامد.

علل گسترش فقر

طبق آمار وزارت کار، در فاصله ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۵ سطح واقعی دستمزد مفتگی ۱۴ درصد کاهش یافته است. در فاصله ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴، تنها بهبود خفیفی روی داد. نرخ دستمزدها در سال ۱۹۸۵ پاردیگر روبه کاهش نهاد. حداقل دستمزد واقعی، ۲۱ درصد کاهش یافته است.

تا سال ۱۹۸۵، درصد احیای مشاغل در کارخانه ها که در فاصله ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ از میان رفته بود، به نصف هم نرسید. در سال ۱۹۸۶، پاردیگر رقم شاغلین در کارخانجات کاهش یافت. رقم بیکاری در فاصله ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ (۸/۳ درصد) بالاترین رقم از دهه ۳۰ بدین سو بود. رقم بیکاری کارگران سیاه پوست که در گذشته دو برابر شمار بیکاران سفید پوست بود، به ۲/۵ برابر آن رسیده است.

در همین فاصله به موازات افزایش بیکاران، وضعیت آنان نیز وخیم تر شده است. در سال ۱۹۷۵، ۵۸ درصد بیکاران بیمه بیکاری دریافت می کردند. در سال ۱۹۸۵ تنها ۳۲ درصد آنها از چنین حقوقی برخوردار بودند. در سال های حکومت ریگان، بودجه عمومی مسکن، بهداشت و درمان و بدهی های غذا همگی حذف شده و یا کاهش یافته اند. شمار مردمی که زیر سطح رسمی فقر زندگی می کنند، از ۲۴ میلیون در ۱۹۷۸ به ۳۴ میلیون در ۱۹۸۴، که آخرین آمار اعلام شده است، افزایش یافت. از هر سه سیاه پوست، یک تن و از هر چهار آمریکایی لاتین الاصل، یک نفر در فقر زندگی می کند. با این حال، دوسوم مردم فقیر، سفید پوست هستند.

افزایش میزان اخراج مستأجران و ضبط خانه ها فوق العاده چشمگیر است. شمار افراد بی خانمان، دو برابر شده است. بطور همزمان، شمار آپارتمانهای خالی و خانه های به فروش رفته نیز به دو برابر افزایش یافته است. رقم آپارتمانهای خالی به سطح

ویژه از کره جنوبی و سایر مناطقی که در مورد آنها محدودیت واردات تعیین شده است - مانند ژاپن - همچنان روبه افزایش است. علاوه بر این، مونتاژ اتومبیل در آمریکا با استفاده از قطعات وارد شده، افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، در قیاس با گذشته، بخش بزرگتری از تولید یک اتومبیل در خارج از کشور صورت می‌گیرد.

خانه‌سازی: در این عرصه، کاهش از هم اکنون آغاز گشته است. به علت بحرانی که دامن میلیون‌ها کارگر را گرفته است، نسبت به قبل شمار کمتری از جوانان قادرند زندگی مستقلی تشکیل دهند. در سال ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵، سالانه بطور متوسط ۱/۶ میلیون واحد اقتصادی خانوادگی یا فردی جدید تشکیل شد. اما هم اکنون این رقم به کمتر از یک میلیون کاهش یافته است. ساختمان واحدهای مسکونی جدید که در اوایل ۱۹۸۶ به متوسط سالانه ۲ میلیون بالغ می‌گردید، در ماه اکتبر به ۱/۶۵ میلیون کاهش یافت. پیش‌بینی می‌شود این کاهش در سال ۱۹۸۷ سریع‌تر باشد.

هزینه‌های مصرفی: معمولاً در جریان یک دوره بحران اقتصادی، سرمایه‌گذاران با اوج‌چاچانی بیش از هزینه‌های مصرفی دارند و زودتر تغییر جهت می‌دهند. طی سال ۱۹۸۶، هزینه‌های مصرفی همچنان افزایش یافت. اما در سال ۱۹۸۷، هزینه‌های واقعی مصرف کاهش خواهد یافت. قدرت خرید واقعی کارگران در ۱۹۸۶ دچار تغییر چندانی نشد. شمار کارگران شاغل، به ویژه در بخش اشتغال نیمه‌وقت و با دستمزد کم، و نیز در "روساختار" (superstructure) مالی و ساختمان، همچنان افزایش یافت. در سالهای حکومت ریگان، گسترش بوروکراسی شرکتها که عناصر آن دستمزدهای کلان می‌گیرند، به افزایش مصرف کمک کرده است.

اما چشم انداز مصرف و تقاضا روبه وخامت است. کاهش تورم بطور عمده ناشی از سقوط بهای نفت بود که هم اکنون متوقف شده است. با کاهش نرخ برابری دلار، قیمت‌های عمده‌فروشی از هم اکنون گرایش صعودی چشمگیری نشان می‌دهد. بخشی از این افزایش قیمت‌ها هم اکنون به سطح خرده‌فروشی نیز رسیده است. و بخش دیگری از آن در سال ۱۹۸۷ بدین سطح خواهد رسید.

میزان اشتغال در کارخانجات رو به کاهش است. رشد ساختمان در سال ۱۹۸۷ متوقف شده، در این زمینه نیز کاهش آغاز خواهد شد.

طی سالهای ۸۰، کارفرمایان شمار کارکنان "یقه‌سفید" خود را افزایش دادند. هم اکنون تحت فشار رقابت خارجی و علایم اولیه رکود، شمار فزاینده‌ای از شرکتها از تعداد کارکنان "یقه‌سفید" خود می‌کاهند. در فاصله سپتامبر ۱۹۸۵ تا سپتامبر ۱۹۸۶، شمار کارگران شاغل در تولید، ۸۲ هزار نفر، و شمار کارکنان "یقه‌سفید" ۲۷ هزار تن کاهش یافت. رقم دوم، زیاد نیست، اما نشاندهنده تغییر اساسی وضعیت است.

این واقعیات، همراه با محدودیتهای ناشی از قروض بیش از حد مصرف‌کنندگان، دورنمای توقف احتمالی افزایش هزینه‌های "واقعی" مصرفی، و حتی کاهش آن در سال ۱۹۸۷ را پدید آورده است.

تواناترین محرک و اشنگتن برای رشد اقتصاد، افزایش هزینه‌های نظامی بوده است. اما اکنون افزایش هزینه‌های نظامی دشوارتر شده است. رقم یقه‌در صف‌چمد

صنعتی ۸/۰ درصد کمتر از بالاترین میزان آن، یعنی ژانویه ۱۹۸۶ بود. این هنوز برای پیش‌بینی کاهش عمده در تولید کافی نیست، اما شواهدی حاکی از اینکه این کاهش، ابعاد عظیمی خواهد یافت، وجود دارند. نیروی اصلی احیای صنعتی در فاصله ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵، از سرگیری هرچند ضعیف سرمایه‌گذاریها، رشد صنایع اتومبیل‌سازی، رونق خانه‌سازی و سایر بخشهای ساختمان بود. این همه، اوج خود را از سرگذاشته و به گونه‌ای تردیدناپذیر وارد فاز نزولی شده‌اند.

سرمایه‌گذاری: شرکت‌های تولیدی برای سه‌ماهه چهارم سال ۱۹۸۶، ۹ درصد کمتر از سال گذشته سرمایه‌گذاری پیش‌بینی کرده‌اند. سرمایه‌گذاری شرکت‌های صاحب معادن، ۲۲ درصد کمتر از سال گذشته است و کاهش سرمایه‌گذاریهای همه شرکتها به ۴ درصد بالغ می‌گردد. تنها بخشی که افزایش عمده‌ای نشان می‌دهد، بخش "تجاری و غیره" است. بخش عمده این افزایش، با بورس‌بازی تحقق یافته است. در این بخش، سرمایه‌گذاریهایی فراتر از نیاز بازار در هوستون، نیویورک و سایر مراکز مهم به عمل آمده‌اند. هر سه ماه یک بار، شرکتها کاهش عمده‌ای در برنامه سرمایه‌گذاریهای خود اعلام می‌کنند. قانون جدید مالیاتی، در آخرین سه‌ماهه ۱۹۸۶ به تشویق سرمایه‌گذاری با اهداف صرفه‌جویی در پرداخت مالیات انجامید و پیش‌بینی می‌شود که در نیمه اول ۱۹۸۷ کاهش شدیدتری را باعث گردد.

سفرهای تولید کالاهای اساسی غیرنظامی در ۱۹۸۶، بطور واقعی ۶ درصد کمتر از ۱۹۸۵ بود. سفرهای پنتاگون برای کالاهای اساسی نظامی در طول این سال به‌تغییر ماند.

اتومبیل‌سازی: تولید و فروش اتومبیل در سال ۱۹۸۶ به علت نرخ‌های پایین بهره اقساط افزایش یافت. تحلیل‌گران صنعتی برای سال ۱۹۸۷، پیش‌بینی می‌کنند که تولید کاهش یابد. واردات اتومبیل، به

پس‌بافه ۸/۱۰ درصد رسیده است. میلیون‌ها واحد مسکونی از سوی صاحبان آنها در انتظار اجاره‌های کلان، خالی‌نگه داشته شده‌اند.

از سوی دیگر، با آنکه رقم مالیات از ۸۵ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ به ۲۰۲ میلیارد دلار در ۱۹۸۶ افزایش یافته است، سود شرکتها حتی با احتساب تورم، تقریباً دو برابر شده است. افزایش نرخ بهره، حقوق، مزایا و مخارج مدیران نیز حد اقل در همین سطح بوده است.

بر شدت استثمار نیز بسیار افزوده شده است. در سال ۱۹۵۰، سود ناخالص تولید یک برابر و نیم دستمزد کارگران بود. در سال ۱۹۷۰ این نسبت به پیش از دو برابر و در سال ۱۹۸۴ طبق آمار رسمی به بیش از سه برابر بالغ شد. این فاکتورها، نشاندهنده شدت گرفتن بحران ادواری است. به گفته مارکس، "علت اصلی همه بحرانهای واقعی، همواره فقر و کاهش مصرف توده‌ها در برابر گرایش تولید سرمایه‌داری به رشد نیروهای مولده است، رشدی که توانایی مطلق جامعه برای مصرف آن را محدود می‌سازد." (کارل مارکس، سرمایه، جلد سوم، ص ۴۸۴).

این تضاد بنیادین، در حال حاضر با وجود جنبه‌های ویژه‌ای که نام بردیم (تأثیر نظامی کردن بر اقتصاد، مقروض بودن بیش از حد افراد، شرکتها و دولت، قروض هنگفت بین‌المللی، عدم توازن مفرط تجارت بین‌المللی) تشدید می‌شود.

چشم‌انداز بحران صنعتی ۸۷

فرام‌آمدن زمینه‌های بحران، هنوز به معنی تعیین دقیق فوران آن نیست. اوج بحران زمانی فرامی‌رسد که تولید به کاهشی عمده و سیستم مالی به اختلالات عمده دچار شود. در اکتبر ۱۹۸۶، تولید



"بالاترین سطح زندگی در جهان" و "راه‌زندگی آمریکایی نظیر ندارد" نوشته‌هایی است که باخاطر درشت روی پوستر تبلیغاتی دیده می‌شود، تصویر یک "خانواده خوشبخت" آمریکایی. اما واقعیت، درست در جلوی همین پوستر، به این تبلیغات پوچ پوزخند می‌زند، صف طولانی مردم بی‌کار، مردم گرسنه، مردم بی‌خانمان. عکس، اگرچه ۵۰ سال پیش گرفته شده، اما واقعیات زندگی امروز ایالات متحده را نیز نشان می‌دهد.

دوره تدارک پانزدهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

شمانیز خود را در جرم آنها شریک می‌کنید؟

در پاسخ به این نامه از سوی بخش فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی در سوئد، جوابیه‌ای برای دبیرکل فدراسیون ملی زنان سوسیال دمکرات در سوئد، ارسال شده است. در بخشی از این جوابیه که با لحنی طلبکارانه تنظیم گردیده تهدید شده است که "از طریق حمایت از این چانیان و خرابکاران، شما نیز خود را در جرم آنها شریک می‌کنید..." در جوابیه بخش فرهنگی سفارت با زنان سوسیال دمکرات سوئد اتمام حجت شده است که "آنانی که در ایران اعدام می‌شوند، حق زندگی کردن ندارند."

در نیمه دوم فوریه سال جاری میلادی، "اینترکورد بریاندز" دبیرکل فدراسیون ملی زنان سوسیال دمکرات در سوئد، طی نامه‌ای به مقامات سفارت جمهوری اسلامی در این کشور، نسبت به رفتار چنانیت آمیز دژخیمان خمینی با زندانیان سیاسی ایران اعتراض نمود. فدراسیون ملی زنان در این نامه به موضوع قطع اجازه ملاقات زندانیان سیاسی با خانواده‌هایشان پرداخته، نوشت: "ما بدین وسیله حمایت خود را از خواست وابستگان زندانیان سیاسی زندان اوین برای ملاقات با آنان اعلام می‌داریم."

مبارزاتشان، تشدید فعالیت در مبارزه برای صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی از جمله مواردی هستند که در دستور بحث‌های کنگره قرار دارند. دبیرخانه "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" در آستانه پانزدهمین کنگره خود دانشجویان سراسر جهان را فراخواند تا، مبارزه برای صلح، دمکراسی، و ترقی اجتماعی را در میهن خود و در سطح جهان گسترش دهند و اتحادیه را سنگر مطمئنی برای پشتیبانی از مبارزه عادلانه خویش بدانند.

پانزدهمین کنگره "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" در پیش است. این کنگره از ۱۵ تا ۲۰ نوامبر سال جاری در هاوانا پایتخت کوبا برگزار خواهد شد. در راستای تدارک این کنگره، نشست‌هایی در سطح منطقه برگزار گردید که نمایندگان سازمان دانشجویان بیشکام ایران نیز در آنها شرکت داشتند. موضوع گسترش همکاری‌های "اتحادیه" با سایر سازمانهای دانشجویی بین‌المللی، همکاری با سازمانهای دانش‌آموزی در

چشم‌انداز اقتصادی

بقیه از صفحه قبل

کار بیاباد... اشتغال، یک حق پایه‌ای است که آزادی همگان برای شرکت در حیات اقتصادی جامعه را تأمین می‌کند... اشتغال، در شکل‌گیری شخصیت و برآوردن نیازهای مادی نقش اساسی دارد... ایجاد اشتغال همچنین خط مقدم مقابله با فقر است. اشتغال، هم به سود جامعه و هم به سود کارگران است. ایجاد اشتغال، شمار بیشتری از مردم را قادر می‌سازد که به نفع عموم فعالیت کنند و بازده لازم برای یک اقتصاد سالم را بالا ببرند. (پیام اسقفیای آمریکا تحت عنوان "عدالت اقتصادی برای همگان").

برنامه عملی برای اشتغال کامل، به اعلام اهداف محدود نمی‌شود. چنین برنامه‌ای باید تصریح کند که دولت، مرجع نهایی برای کارپایی است و باید شامل ملی کردن آن صنایعی باشد که سرمایه خصوصی دیگر حاضر به فعالیت در آن نیست.

برنامه اقتصادی مردمی باید همچنین شامل بهبود اساسی بودجه‌های اجتماعی، در رابطه با مسکن، بهداشت، تأمین اجتماعی، حداقل دستمزد، بیمه بیکاری و کاهش ساعات کارهفتگی باشد. در این زمینه، کارگران آمریکایی نه تنها از کارگران کشورهای سوسیالیستی، بلکه از کارگران کشورهای اروپای غربی نیز بسیار عقب‌ترند.

تأمین حقوق اقتصادی مردم همچنین مستلزم تحقق عملی قوانین حقوق شهروندی است که در سال ۱۹۶۰ تصویب شدند. باید برای اقدامات مشخص جهت دستیابی به برابری اقتصادی و اجتماعی واقعی سیاهپوستان با سفیدپوستان و نیز برطرف کردن تبعیضات اجتماعی مبارزه کرد.

نیازی فوری به دمکراتیزه کردن نظام مالیاتی وجود دارد. باید مالیات ثروتمندانی که از بخشهای ریکان سود برده‌اند، افزایش و مالیات کارگران کاهش یابد.

طبقه کارگر، همراه با جنبش صلح، باید در صف مقدم اقدام جهت پایان دادن به سیاست خارجی مداخله‌جویی امپریالیستی به سود شرکت‌های چند ملیتی قرار گیرد.

پیش از هر چیز، ایجاد فضای پیشرفت اقتصادی، تنها می‌تواند با دفع خطر جنگ هسته‌ای و کاهش عمده و محو همه سلاحهای هسته‌ای تحقق یابد. عادی‌سازی مناسبات اقتصادی با ا.ج.ش.س. و سایر کشورهای سوسیالیستی به سود خلقها، جز* لاینفک برنامه اقتصادی مردمی است.

برگرفته از نشریه "امورسیاسی"، ارگان تئوریک حزب کمونیست آمریکا، ژانویه ۱۹۸۷.

سرمایه‌گذاری در فعالیت واقعی اقتصادی و هزینه کردن واقعی سرمایه وجود نداشته است. (نشریه بارونز، اول دسامبر ۱۹۸۶).

این نوع از رونق بازار بورس که در آن، قیمت سهام بسیار فراتر از نسبت معمول میان بهای سهام و نرخ سود رفته است، زمینه را برای سقوط ناگهانی نرخ سهام فراهم می‌سازد.

آغاز دور نزولی بحران در ایالات متحده تأخیری منفی بر بخش اعظمی از مابقی جهان سرمایه‌داری، به ویژه آن کشورهایی که وابستگی شدیدی به صادرات خود به ایالات متحده دارند، خواهد گذاشت. کانادا که از هم‌اکنون وارد سیر نزولی صنعتی شده است، بدنبال ایالات متحده در سرائیب خواهد افتاد. تولید صنعتی ژاپن که از هم‌اکنون دچار رکود شده، احتمالاً وارد مرحله قطعی نزولی خواهد شد. تأثیرات مشابهی نیز در کره جنوبی و تایوان روی داده و به تضعیف دیکتاتوری‌های سرکوبگر در این دو کشور خواهد انجامید.

اکنون زمان عمل است

نیروی طبقه کارگر و خلق برای مبارزه به خاطر خواستهای خود نباید منتظر آن بمانند که "اداره ملی تحقیقات اقتصادی" رسماً اعلام کند رکود اقتصادی از شش ماه پیش آغاز شده است. اکنون که گروه ریکان انسجام صفوف خود را از دست داده است، زمان به‌کرسی نشاندن برنامه اقتصادی و قانونگذاری مردمی است. اعمال فشارتوده‌ای بر پارلمان و سایر اشکال مبارزه، می‌تواند، به نیروی موثری برای وا دار کردن کنگره به اقداماتی در سال ۱۹۸۷ تبدیل شود.

انتقال گسترده بودجه از مصارف نظامی به نیازهای مردم، ضرورت لحظه است. پیشنهادها به بخش صنعتی اتحادیه کارگری AFL-CIO که منطبق بر خواستهای بسیاری از سازمانهای صلح است، زمینه مناسبی برای عمل مشترک فراهم می‌آورد. زمان مبارزه برای برنامه اشتغال کامل فرا ریده است. موضعگیری اسقفهای کاتولیک آمریکا نشان می‌دهد که این امر، پاسخگوی احساسات بخشهای وسیعی از مردم آمریکاست.

"اشتغال کامل، پایه اقتصاد عادلانه است. مهمترین اولویت در سیاست اقتصادی داخلی، ایجاد مشاغل جدید به‌دست‌مزد کافی و شرایط مناسب کار است. ما به مثابه یک ملت باید امکان آن را فراهم آوریم که هرکس که در جستجوی کار است، در مدت معقولی

توانا ترین محرک و اشنگتن برای رشد اقتصاد، افزایش هزینه‌های نظامی بوده است. اما اکنون افزایش هزینه‌های نظامی دشوارتر شده است. رقم افزایش این هزینه‌ها در سال ۱۹۸۶ در حدود نیمی از رقم مشابه در سالهای اخیر بود. رسوایی ایران‌کیت و تغییر در تناسب قوا در کنگره، فرصتی برای پایان دادن به افزایش هزینه‌های نظامی و انتقال بودجه به مصارف سودمند اجتماعی فراهم کرده است.

سیاست ایجاد تسهیلات مالی از سوی بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) به رشد فعالیت اقتصادی یاری رسانده است. اما ضرورت حفظ نرخ بالای بهره برای جلب سرمایه خارجی جهت جبران کسری بودجه دولت، در برابر این سیاست محدودیت ایجاد کرده است.

اثر بحرانهای ادواری، همراه با موج ورشکستگی‌های مالی، کاهش نرخ سهام و غیره هستند که یا پیش از بروز بحران و یا همزمان با آن روی می‌دهند. رقم ورشکستگی در قیاس با ۱۹۷۹، هشت برابر شده است. در سال ۱۹۸۵، ۵۷ هزار شرکت با سرمایه جاری ۲۲ میلیارد دلار ورشکست شدند. ورشکستگی بانکها نیز روبه افزایش است. ۲ هزار بانک در لیست دولتی "بانکهای مورد تهدید" قرار گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد این علایم خطر در تضاد با روندهای بازار سهام قرار دارند. بازار سهام بلافاصله پس از رسوایی بوسکی (بورس‌پاز بزرگ وال استریت که کلاهبرداری و ورشکستگی او در آمریکا چنانچه برانگیخت - "اکثریت") و ایران کیت رونق تازه‌ای یافت. ادواردیاردنی، کارشناس اقتصادی ارشد شرکت بیمه "برودنشل"، در پاره هراس عمومی در مورد ثبات نرخ سهام نوشت: "کمان می‌کنم علت عمده رسیدن به شاخص ۱۹۰۰ (متوسط نرخ سهام) این است که بزرگترین سرمایه‌گذاران در بازار سهام، صندوقهای شرکتها بوده‌اند. یکی از نکاتی که مرا نگران می‌سازد، این است که آنها این مقدار پول نقد را داشته‌اند و کار بهتری به نظرشان نرسیده است جز اینکه سهام خود را باز خرید کنند و یا سهام دیگران را بخرند. به بیان دیگر، فرصت برای

اعلام بزرگترین اعتصاب کارگری در تاریخ آفریقای جنوبی

"اتحادیه ملی معدنچیان" که بزرگترین سندیکای کارگری آفریقای جنوبی است، برای دوشنبه هشتم اوت دعوت به بزرگترین اعتصاب کارگری در تاریخ آفریقای جنوبی کرده است. این اتحادیه اعلام کرده دعوت آن، حداقل ۲۰۰ هزار کارگر سیاهپوست در ۲۸ معدن طلا و ۱۸ معدن ذغال سنگ در این روز دست از کار خواهند کشید.

کریل رامافوزا رهبر اتحادیه مزبور تأکید کرد که اتحادیه کارگران معدن، از هم اکنون انتظار دارد که رژیم پرتوریا علیه اعتصاب روز دوشنبه دست به اقدامات سرکوبگرانه بزند. وی در ژوهانسبورگ گفت: "هرگاه اعضای ما مورد حمله قرار گیرند، باید از خود دفاع کنند." رامافوزا خاطرنشان ساخت مذاکرات برای افزایش دستمزدها که از ماه مارس سال جاری آغاز شده، به بن‌بست رسیده است. کارگران خواهان ۲۰ درصد افزایش دستمزد و مبلغ ویژه‌ای بعنوان اضافه‌پرداخت جهت خطرات هنگام کار هستند. چنین مبلغی به کارگران سفیدپوست پرداخت می‌شود.

در روز پنجشنبه ۲۰ ژوئیه، در یکی از مراکز فرماندهی نیروهای مسلح آفریقای جنوبی در ژوهانسبورگ بمبی منفجر شد و به مجروح شدن چندین نظامی انجامید.

در همین روز، پلیس آفریقای جنوبی علیه اعتصاب و تظاهرات کارگران یک کارخانه شیمیایی در شرق استان ترانسوال متوسل به کازاشک آروشلینی گلوله‌های لاستیکی شد. دو کارگر مجروح شدند. در این اعتصاب که برای افزایش دستمزد صورت گرفت، ۵ هزار کارگر سیاهپوست شرکت کردند.

اخبار کوتاه

* جهان، هفته گذشته چهل و دومین سالگرد بهمان اتمی هیروشیما را برگزار کرد. در هیروشیما و شهرهای سایر کشورها، جشن صلح به مناسبت سالروز نخستین فاجعه هسته‌ای، خواهان تسریع در انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی جهت محدود کردن تسلیحات اتمی شد.



* در پاراگوئه نیز جنبش مردمی علیه دیکتاتوری ژنرال اشتروسز روبه‌گسترش است. عکس فوق، حمله پلیس رژیم فاشیست پاراگوئه به شرکت کنندگان در یک گردمهای اپوزیسیون در آسونسیون پایتخت پاراگوئه را نشان می‌دهد.

اجلاس سران ۵ کشور آمریکای مرکزی

سوی نیکاراگوئه، احتمال تصویب کمکهای جدید به ضدانقلابیون نیکاراگوئه توسط کنفره آمریکا افزایش خواهد یافت.

دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه در پاسخ به پیشنهاد ریگان، خواهان مذاکرات مستقیم میان نیکاراگوئه و آمریکا شد. این پیشنهاد اورتگا مورد مخالفت شولتز وزیر خارجه دولت ریگان واقع شد. اورتگا پس از رد پیشنهاد وی از سوی شولتز، اظهار داشت این مخالفت، نشانگر آن است که پیشنهاد ریگان یک مانور انحرافی بیش نیست. اورتگا در مورد مذاکره دولت نیکاراگوئه با ضد انقلابیون که از سوی ریگان به جای مذاکره مستقیم دو دولت پیشنهاد شده است، گفت: "لازم است که با رئیس سیرک صحبت کنیم نه پادشاهها."

جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی و جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور طی نامه سرکشاده‌ای به روسای جمهور کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوئه، از راه حلی مبتنی بر عدم مداخله و حق تعیین سرنوشت جانبداری کرده‌اند. در این نامه، تلاش آمریکا برای دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی در آمریکای مرکزی از طریق تقویت نظامی هندوراس و السالوادور محکوم شده است.

بهرهای تأمین سلاحهای خود را به زمین می‌گذارند

تحويل سلاحها ضرب الاجل تا روز دوشنبه سوم اوت تعیین کرده‌بود، اما در این روز این مهلت به روز دیگر تعدیل شد. در این فاصله، میان دولت شندو رهبران سازمان "بهرهای تأمین" مذاکراتی صورت گرفت. "ولر بیلا پراپاکاران" رهبر این سازمان بدین منظور به دهلی سفر کرد. همزمان با سفر وی، ژنرال دیندرسینگ فرمانده نیروهای اعزامی هند به سریلانکا گفت که واحدهای تحت فرمان وی، در صورت لزوم برای خلع سلاح چریکها متوسل به زور خواهند شد.

ولوپیلای پراپاکاران رهبر "بهرهای تأمین" اعلام کرد که تنها تحت فشار دولت هند و حضور نیروی ۵ هزار نفری ارتش هند در سریلانکا، سازمان وی ناچار به تحويل سلاحهای خود شده است. وی افزود: "کمان می‌کنم که این، راه حلی پایدار باشد."

روسای جمهور نیکاراگوئه، کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس و السالوادور در روزهای پنجشنبه و جمعه گذشته در گواتمالا سیتی پایتخت گواتمالا گرد آمدند تا حول پیشنهاد گروه "کونتادورا" (ممثل از کلمبیای، مکزیک، پاناما و ونزوئلا) برای برقراری صلح و آرامش در آمریکای مرکزی گفتگو کنند. ناظران سیاسی، صرف فرام آمدن امکان تشکیل چنین اجلاسی را یک موفقیت خواندند. فرستادگان دولت آمریکا، از جمله فیلیپ حبیب مشاور ویژه دولت ریگان در امور آمریکای لاتین و الیوت آبرامز معاون وزیر خارجه، در مذاکرات با دولتهای گواتمالا و السالوادور نتوانسته بودند برگزاری اجلاس سران کشورهای آمریکای مرکزی را به تأویق بپندارند. مخالفت آمریکا به ویژه با طرح آریاس رئیس جمهوری کاستاریکا که شامل قطع کمکهای ایالات متحده به ضد انقلابیون نیکاراگوئه و احترام کامل به حاکمیت ملی کشورهای آمریکای مرکزی است.

در آستانه گردهمایی گواتمالا، ریگان دست به مانور جدیدی علیه نیکاراگوئه زد و پیشنهاد کرد دولت نیکاراگوئه و ضدانقلابیون پس از برقراری آتش‌بس وارد مذاکره شوند. منابع نزدیک به دولت ریگان گفته‌اند در صورت عدم پذیرش این پیشنهاد از

نیروهای سازمان بهرهای آزادی تأمین - ایلام" که بزرگترین سازمان مسلح تأمین در سری لانکا است، از روز چهارشنبه گذشته تحويل سلاحها، خود را آغاز کردند. در روز پنج اوت، رهبران این سازمان در پایگاه هوایی پلاپی واقع در شبه جزیره جافنا در شمال سریلانکا با حضور نمایندگان ارتش هند محموله اول سلاحهای سازمان مزبور را به فرستاده وزارت دفاع سریلانکا تسلیم کردند و در مقابل، تعهد کتبی دولت کلمبو مبتنی بر آزادی زندانیان سیاسی را دریافت داشتند. این تعهد، جزئی از "قرارداد برقراری صلح و آرامش در سریلانکا" است که در روز ۲۹ ژوئیه میان سریلانکا و هند به امضا رسید.

"بهرهای تأمین" پس از امضای این قرارداد اعلام کرده بودند که سلاحهای خود را به زمین نخواهند گذاشت. قرارداد کلمبو، در آغاز برای

رژیم هائیتی همچنان جنایت می‌کند

همکاران در لوگان واقع در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی پورت اوپرنس مورد حمله جنایتکاران قرار گرفت. آنها این سه تن را باخنجر و چماق به قتل رساندند و سپس اجسادشان را آتش زدند. نمایندگان اپوزیسیون هائیتی اعلام کردند رژیم نظامی مسئول این جنایت است.

همانگونه که در شماره پیش گزارش دادیم، پس از سرکوب خونین تظاهرات ۲۹ ژوئیه، سازمانهای اپوزیسیون هائیتی برای روز پنجشنبه ۳۰ ژوئیه دعوت به اعتصاب عمومی کردند. در پاسخ به این دعوت، در این روز هزاران تن از مردم دست از کار کشیدند. در پورت اوپرنس، رفت و آمد و فعالیت اقتصادی متوقف شد. این اعتصاب در روز جمعه ۳۱ ژوئیه نیز ادامه یافت.

بدنبال کشتار ۸ تن از شرکت کنندگان در تظاهرات علیه رژیم نظامی هائیتی در روز ۲۹ ژوئیه، در روز شنبه اول اوت نیز پورت اوپرنس پایتخت این کشور شاهد یورش مزدوران حکومت ژنرال نامفی به تظاهرات مردم بود. در جریان این حمله ۶ تن از مردم به دست نظامیان به قتل رسیدند. درگیری هنگامی روی داد که مردم ضمن بازرسی یک کامیون ارتش، تعداد زیادی از اجساد مقتولین حوادث اخیر را کشف کردند. بدنبال آن، نیروهای ارتش بروی مردم آتش گشودند.

لوی اوژن آتی از سیاستمداران برجسته اپوزیسیون هائیتی، یکی از بنیانگذاران و هماهنگ کننده "جنبش دمکراتیک برای آزادی هائیتی" توسط مزدوران رژیم به قتل رسید. وی به همراه دو تن از

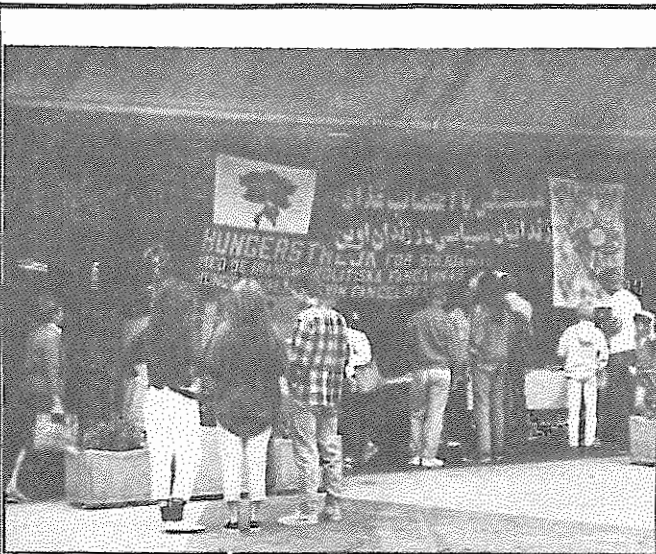
موشک‌های دوربرد عراقی و احتمال از سرگیری جنگ شهرها

کوبیدن تهران نیز هستند. موشکهای عراقی از موشکهای جمهوری اسلامی برد بیشتری دارند. برد موشکهای جمهوری اسلامی - که با آنها به کرات بغداد را نشانه گرفته‌اند - ۲۵۰ کیلومتر است.

با این خبر تصویر یک جنگ احتمالی آینده در عرصه شهرها، پی‌خوئین‌تر و فاجعه‌بارتر از گذشته می‌شود. هر دو رژیم سببیت خود را به‌منتهی درجه رسانده‌اند و مترصد آنند که در اولین فرصت در عرصه جنگ شهرها بازم عمق درنده‌خویی خود را به نمایش بگذارند.

مهمترین لذت جمهوری اسلامی از جنگ شهرها زدن موشک به بغداد است. عراق نیز اکنون اعلام کرده است صاحب این گونه موشکهای پابرد زیاد شده است و پیش از گذشته برای جنگ شهرها آمادگی دارد.

این خبر را عراق در روز سه‌شنبه هفته‌گذشته اعلام کرد. برد موشکهای تازه عراقی ۶۵۰ کیلومتر است. این موشکها قادرند هدفهایی را در فاصله ۶۱۵ کیلومتری دقیقاً نشانه روند. فاصله تهران تا مرز عراق ۵۵۰ کیلومتر است، بنابراین این موشکها قادر به



عکس، صحنه‌ای از محل اعتصاب غذای همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در سوئد را نشان می‌دهد.

بسیاری از شهروندان سوئدی با حضور در محل و گفتگو با اعتصاب کنندگان همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام نمودند.

چادر این اعتصاب غذا که گزارش آن در "اکثریت" ۱۶۷ درج شد، مورد بازدید عده‌ای از مسافران ایرانی نیز قرار گرفت. این عده از هم میهنان ضمن ابراز پشتیبانی از مقاومت و مبارزه زندانیان شکنجه‌گامهای اوین و کوهرشت، انزجار عمیق خویش را از رژیم خمینی ابراز داشتند.

اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی در تایلند

پناهندگان ایرانی در ادامه اعتراضات خود نسبت به عدم قبول حق پناهندگی و بی‌توجهی سازمان ملل به شرایط بغایت دشوار ورنجبار آنان و برای توقف رفتار غیرانسانی پلیس تایلند، از ۱۹ تیرماه به مدت ۸ روز در دفتر سازمان ملل اقدام به اعتصاب غذا نمودند. در جریان این اعتصاب، ابتدا دفتر سازمان ملل طبق سیاست معمول خود، سعی کرد با بی‌تفاوتی به این حرکت از پاسخگویی به تقاضاهای قانونی پناهندگان قفره رود. با تداوم اعتصاب که طی آن چند نفر از اعتصاب کنندگان به بیمارستان بانکوک منتقل شدند، بالاخره دفتر سازمان ملل اعلام کرد، پرونده اعتصاب کنندگان را مجدداً مورد بررسی قرار داده و حق پناهندگی آنان را به رسمیت خواهد شناخت.

طبق آخرین گزارشهایی که از تایلند بدستمان رسیده است، دفتر سازمان ملل در این کشور، بدنبال این اعتصاب که پناهندگان توانستند پخشا به خواسته‌های خود دست یابند - بمنظور جلوگیری از تکرار اینگونه حرکت‌های اعتراضی، در کنار پیشبرد سیاست بی‌تفاوتی و عدم توجه به حقوق پناهندگی، به نقض خشن مسئولیت و تعهد خود در قبال تامین امنیت پناهندگان اقدام نموده است. دفتر این سازمان در تایلند برای ایجاد رعب و ترس در بین پناهندگان ایرانی، آدرس محل سکونت تعدادی از آنان را که موفق به دریافت کمک مالی و گرفتن قول بررسی مجدد پرونده‌هایشان شده‌اند، در اختیار پلیس قرار داده و پلیس برای بقیه در صفحه ۱)

جنگ، خفقان، پایمال ساختن شدید حقوق انسانی، ترور و شکنجه و اعدام و دیگر ارفغان‌های جمهوری اسلامی، هموطنان بسیاری را در سراسر جهان پراکنده و آواره ساخته است. از اوایل سال جاری، در شرایطی که کشورهای اروپایی به اشکال مختلف مرزهای خود را بر روی متقاضیان پناهندگی بسته‌اند، صدها نفر از هم میهنان ما بعد از مدت‌ها آوارگی در ترکیه، رودرویی با انواع مخاطرات جدی از طرف رژیم فاشیستی ترکیه، مجبور شده‌اند به کشور دوردست تایلند روی آورند. تا از این طریق و از کانال سازمان ملل متحد در آنجا اقدام به تقاضای پناهندگی به یک کشور ثالث بنمایند.

این عده از پناهندگان ایرانی در تایلند، از ابتدای ورود خود به این کشور، با بی‌توجهی کامل دفتر سازمان ملل و اعمال فشار از جانب پلیس تایلند مواجه شده‌اند. تعدادی از پناهندگان، بعد از مدت‌ها مبارزه توانسته‌اند، تحت پوشش سازمان ملل قرار گیرند، ولی عده قابل توجهی، هنوز در شرایطی که هیچگونه امکان تامین مالی ندارند، کماکان با برخورد غیرمسئولانه سازمان ملل روبرو هستند. پناهندگان ایرانی در تایلند، برای دستیابی به حداقل حقوقی که سازمان ملل در مورد پناهندگان متعهد است، تا بحال اقدام به چندین حرکت اعتراضی از قبیل تحصن در دفتر آن سازمان نموده‌اند، ولی هربار عدم توجه مقامات این سازمان، مطالبات قانونی و انسانی آنان را بی‌پاسخ گذاشته است. در ماه گذشته، عده‌ای از

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك «کوپن بین‌المللی پستی» و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»
۱۶ مارك	۱۴ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۴۰	۲۷		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اکثریت»
۳۶ مارك	۳۳ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۷۰	۶۴	☐ يك ساله	
۱۳۸	۱۲۵		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 169
MONDAY, 10 AUG, 87

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید